



<https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en>

Strategic Research on Social Problems in Iran

E-ISSN: 2645-7539

Vol. 12, Issue 2, No.41, Summer 2023, pp. 1-30


Received: 25.04.2023 Accepted: 17.10.2023

Research Paper

Migration and Atomization: A Qualitative Study among Immigrant Women in Yazd City

Fatemeh Jafari Naeimi

M.A in Demography, Department of Demography, Faculty of Social sciences, Yazd University, Yazd, Iran.
jafarynaeemi1365@gmail.com

Maliheh Alimondegari* 

Associate Professor, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran
m.alimondegari@yazd.ac.ir

Ali Ruhani

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social sciences, Yazd University, Yazd, Iran.
aliruhani@yazd.ac.ir

Introduction

In recent decades, there have been significant developments in immigration often referred to as the age of immigration. These developments highlight the increasing participation of women in the migration process and the rise of independent female migrants, a phenomenon known as the feminization of migration (Khaje Nouri & Sharifi, 2022). Research indicates notable changes in both quantitative and qualitative aspects of women's migration. In terms of quantity, women now constitute nearly half of all immigrants. Moreover, in terms of quality, women are no longer solely dependent immigrants; they now play a crucial and influential role in migration flows (Sadeghi & Valadvand, 2015). According to the latest statistics released by the United Nations, as of 2020, the proportion of immigrant women stands at 3.5% of the global population, while the proportion of immigrant men is 3.7% of the world's male population (21). In Iran, the representation of women in migration has increased from 45% during the period of 1986-1996 to 48.6% during the period of 2011-2016. Additionally, based on immigration and net immigration data from 2011-2016, Yazd Province is among the top four provinces in Iran that attract immigrants and is considered an appealing destination for both genders (Mushfiq & Khazaei, 2015). Despite the changing migration patterns in the country and the increasing number of women migrating in the past decade, there has been limited research conducted in this field. Furthermore, there is a scarcity of qualitative studies examining the migration experiences of women. Given that Yazd is recognized as one of the most immigrant-friendly provinces in Iran and a desirable destination for female immigrants, this research aimed to analyze the migration process of women from their origin to their destination. The primary objective of this study was to address questions like how women make decisions to migrate and settle in their destination, as well as what challenges and consequences they encounter in the host society and how they navigate through them.

Materials and Methods

The current research employed a qualitative methodology to investigate the process of women's involvement in migration flows. Given the research objective, the most suitable method for studying this process was grounded theory, utilizing a systematic approach developed by Strauss and Corbin (2008). The participants for this study were selected through purposeful sampling followed by theoretical sampling. The selection of participants aimed to ensure diversity in terms of age, marital status, literacy level, occupation, type of

migration (independent or dependent), reasons for migration, and the provinces of origin. To ensure reliable data and gain a comprehensive understanding of the research dimensions, interviews were conducted until data saturation was achieved, meaning that no new information or themes emerged from the interviews. The primary data collection tool employed in this research was a semi-structured interview. Between August and November 2022, the interviews were conducted with 21 women, who had immigrated to Yazd from various provinces in the country. These women had resided in Yazd

*Corresponding author

Jafari Naeimi, F., Alimondegari, M., & Ruhani, A. (2023). Migration and atomization: A qualitative study among immigrant women in Yazd City. *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 12(2), 1-30.

2645-7539 / © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/srsp.2023.137453.1900>

for a minimum of two years and possessed the aforementioned characteristics.

Discussion of Results & Conclusion

The findings indicated the initial stages of the atomization process experienced by the migrant women. This process was driven by their self-determination and was closely linked to their struggles in their places of origin. It manifested in various dimensions, including a continuous increase in suffering, a challenging life in their hometowns, and a breakdown of trust due to destabilizing conditions in their places of origin. Faced with these difficult circumstances, the migrant women had experienced a sense of detachment from their places of origin. In their quest to rebuild their lives and find personal fulfillment, they had actively sought to redefine

their social networks in relation to their destination of migration. However, upon arrival at their destination, they had encountered challenges, such as a lack of cultural acceptance, economic limitations, and an isolating urban lifestyle. Consequently, they had been compelled to engage in transactional communication as a means of survival. The outcome of this process was the formation of a circle of defined, mutually beneficial, and secure social relationships. These relationships had been continuously shaped, expanded, or restricted based on the fluid conditions they had encountered.

Keywords: Immigrant women, Immigration, Personalization, Atomization, Yazd City.



پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران
سال دوازدهم، شماره پیاپی (۴۱)، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲، ص ۱-۳۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

مقاله پژوهشی

مهاجرت و مسئله ذره‌ای شدن، مطالعه‌ای کیفی در میان زنان مهاجر شهر یزد

فاطمه جعفری نعیمی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

jafarynaeemi1365@gmail.com

ملیحه علی‌مندگاری* ID: دانشیار، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

m.alimondegari@yazd.ac.ir

علی روحانی، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

aliruhani@yazd.ac.ir

چکیده

مسئله پیوندیابی در بین مهاجران، همیشه مهم بوده است. سازگاری مهاجران در جامعه میزبان، منوط به کیفیت پیوندیابی آنهاست؛ اما مهاجرانی که وارد مقصد می‌شوند، تا حد زیادی به‌جای پیوند با جامعه میزبان، به سمت ذره‌ای شدن (اتمیزه شدن) گرایش می‌یابند و معمولاً در حواشی اسیر می‌شوند. پژوهش حاضر به دنبال واکاوی چگونگی فرآیند ذره‌ای شدن زنان مهاجر بوده است. روش پژوهش، کیفی و از نظریه زمینه‌ای بهره گرفته شده است. مشارکت‌کنندگان، ۲۱ نفر از زنان مهاجر به شهر یزد از استان‌های مختلف کشور بوده‌اند که به صورت هدفمند و به شیوه نمونه‌گیری نظری انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تحلیل داده‌ها به شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده است. نتایج نشان داد آغاز فرآیند ذره‌ای شدن زنان مهاجر، خودخواسته و در راستای واماندگی آنان در زادگاه، در ابعاد مختلف از جمله رنج‌های فرایند پایدار، زیست‌بحرانی در زادگاه و گسست اعتماد بر اثر شرایط بی‌ثبات‌کننده مبدأ رخ می‌دهد. آنان در فرآیند شرایط سخت یادشده به‌نوعی واگرایی از مبدأ می‌رسند و برای بازسازی دوباره زندگی و شخصی‌سازی آن در جهت آرامش و بهره‌وری بیشتر، به بازتعریف شبکه اجتماعی خود در پیوند با مقصد دست می‌زنند. از سوی دیگر، زنان مهاجر با ورود به مقصد و مواجهه با عواملی چون ناپدیدشگری فرهنگی شهر جدید، چرخه ناتوانی اقتصادی و سبک زندگی انزواطلب شهری، ناخواسته مجبور می‌شوند ارتباطات خود را سودمحور کنند. نتیجه روند طی شده، خلاصه شدن روابط آنان در دایره‌ای از روابط اجتماعی تعریف شده، سودمند و مطمئن است که بر حسب شرایط سیال‌وار تجدید، بسط یا تحدید می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زنان مهاجر، مهاجرت، شخصی‌سازی، ذره‌ای شدن، شهر یزد.

* نویسنده مسئول

جعفری نعیمی، ف؛ علی‌مندگاری، . و روحانی، ع. (۱۴۰۲). مهاجرت و مسئله ذره‌ای شدن، مطالعه‌ای کیفی در میان زنان مهاجر شهر یزد. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲(۲)، ۱-۳۰.



مقدمه و بیان مسئله

تحرك جغرافیایی انسان‌ها، مهم‌ترین بخش زندگی در تاریخ بشریت محسوب می‌شود. انسان‌ها نیز به‌گونه‌ای مهاجرند و مهاجرت هم یک زنجیره مداوم در طول تاریخ است (Parillo, 2008). مهاجرت در قالب تعریف عام تغییر محل زندگی انسان‌ها، یکی از مسائل اجتماعی برجسته تاریخ مدرن است. همه آمارها و شواهد از آن حکایت دارند که مهاجرت در حال تبدیل شدن به پدیده‌ای فراگیر و نافذ در جامعه است (Sharpe, 2001: 1). تحولات مهاجرتی در دهه‌های اخیر، که به عصر مهاجرت معروف است، از ورود بیش از اندازه زنان در فرآیند مهاجرتی و افزایش مهاجرت زنان مستقل، که زنانه‌شدن مهاجرت^۱ نامیده می‌شود، خبر می‌دهد (خواججه‌نوری و شریفی، ۱۴۰۱: ۵۶). به عبارتی زنانه‌شدن مهاجرت، در ابعاد کمی و کیفی رخ داده است. در بُعد کمی، حضور زنان در جریان‌های مهاجرتی به بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است و در بُعد کیفی، زنان دیگر فقط مهاجران تبعی مهاجرتی نیستند، بلکه خود نیز نقش فعال و حضور مستقلی در فرآیند مهاجرت دارند (صادقی و ولدوند، ۱۳۹۴: ۵۶). همان‌طور که مردان و زنان در فرآیند مهاجرت به یک اندازه سهم ندارند، انگیزه‌های آنان نیز متفاوت است. مردان عمدتاً با انگیزه‌های اقتصادی دست به مهاجرت می‌زنند، اما زنان بیشتر به دلایل اجتماعی و فرهنگی مهاجرت می‌کنند. مهاجرت زنان یک راه‌حل برای فرار از محدودیت‌ها و کمبودهای تحمیل‌شده ساختاری و خانوادگی و نیز فرار از کنترل اجتماعی و تبعیض جنسیتی و همچنین پیش‌داوری‌های موجود در جوامع مبدأ است و نیز امکان اشتغال در کارهایی را فراهم می‌کند که به‌طور اجتماعی در جامعه مبدأ محدودیت داشته است (Ortiz, 1996; Parrado & Flippen, 2005). مهاجرت به‌طور فزاینده‌ای به دختران و زنان اجازه می‌دهد تا نقش‌های اجتماعی سنتی را در جوامع روستایی به چالش بکشند (Lattof et al., 2018: 1186). این تغییرات با دگرگونی جایگاه و موقعیت زنان در خانواده و اجتماع، در پی فرآیند توسعه و جهانی‌شدن، افزایش میزان

آگاهی، مشارکت اجتماعی، اشتغال و تحصیلات زنان تبیین شدنی است (اسماعیلی و محمودیان، ۱۳۹۵: ۱۷). در این راستا، سهم جمعیت زنان مهاجر در هر دو نوع مهاجرت داخلی و بین‌المللی افزایش چشمگیری یافته است و زنان چه به صورت مستقل و چه با اعضای خانواده، به مهاجرت روی می‌آورند (مشفق و خزایی، ۱۳۹۴: ۸۶؛ ساداتی و علوی، ۱۳۹۷: ۶۲).

زنانه‌شدن مهاجرت بیش از هر چیز، به افزایش استقلال زنان در فرآیند مهاجرت اشاره دارد، نه افزایش مطلق در نسبت زنان مهاجر؛ چنان‌که تا سال ۱۹۶۰، زنان تقریباً ۴۷ درصد از کل مهاجران بین‌المللی را تشکیل می‌دادند، یعنی درصدی که طی چهار دهه آینده تنها دو واحد افزایش یافته و در حال حاضر به حدود ۴۹ درصد رسیده است (Zlotnik, 2003: 1). داده‌های بخش جمعیت سازمان ملل^۲ (2013) نشان می‌دهد که زنان، ۴۸ درصد سهم مهاجرت‌های بین‌المللی را تشکیل می‌دهند (مشفق و خزایی، ۱۳۹۴: ۸۷). همچنین براساس تازه‌ترین آمار منتشرشده از سوی سازمان ملل، در سال ۲۰۲۰، زنان ۱۳۵ میلیون مهاجر (۳٫۵ درصد از جمعیت زنان جهان) و مردان ۱۴۶ میلیون (۳٫۷ درصد از جمعیت مردان جهان) را تشکیل می‌دهند (United Nations Population Division, 2022). در ایران نیز الگوهای سنتی مهاجرت که بیشتر مردگزين است و زنان به تبعیت از مردان مهاجرت می‌کردند، در حال تغییر است و به تدریج نوعی الگوی زنانه‌شدن مهاجرت در کشور در حال تکوین است؛ چنان‌که در مجموع حضور زنان در جریان‌های مهاجرتی درون استانی در کشور، بیشتر از مردان است و سهم زنان در جریان‌های مهاجرتی ایران، از ۴۵ درصد در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به ۴۸٫۶ درصد برای دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ رسیده است (مشفق و خزایی، ۱۳۹۴: ۸۷-۸۵؛ محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۶۰).

با توجه به آمارهای مهاجرتی و میزان خالص مهاجرت استان‌های کشور در دوره‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ و ۱۳۹۵-۱۳۹۰، استان یزد جزء مهاجرپذیرترین استان‌ها بوده است، چنان‌که در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۰ در حدود ۶۰ هزار نفر از دیگر استان‌ها به استان یزد وارد شده‌اند. همچنین نسبت مهاجرت

² United Nation

¹ Feminization of migration



متغیرهای مختلفی چون سن، وضع تأهل، مهارت، تحصیلات، تخصص و... از جمله معرف‌های سرمایه انسانی‌اند که در تصمیم‌گیری و رفتار مهاجرتی زنان اثر مستقیم دارند (مشفق، ۱۳۹۰: ۱۳۷). تحقیقات ساداتی و علوی (۱۳۹۷)، اسماعیلی و محمودیان (۱۳۹۶)، اسماعیلی و محمودیان (۱۳۹۵)، مشفق و خزایی (۱۳۹۴)، تیتنسور و منصور^۱ (۲۰۱۷)، لاتوف و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، فلوری^۳ (۲۰۱۶)، گاووس^۴ (۲۰۱۰) و پاینسکی و همکاران^۵ (۲۰۰۹)، حکایت از افزایش مشارکت زنان در جریان مهاجرتی دارند و عامل اشتغال را در شکل‌گیری این جریان مهم به شمار می‌آورند. پژوهش‌های سیفی (۱۳۹۶)، صادقی و ولدوند (۱۳۹۴)، پایونسکی (۲۰۰۹) و جولی و همکاران^۶ (۲۰۰۵) نشان می‌دهد گرچه مهاجرت‌ها بیشتر به دلایل اقتصادی انجام می‌شوند، اهمیت انگیزه‌های غیراقتصادی همچون تحصیلات و کسب سرمایه انسانی، برای مهاجرت زنان بیشتر است. یافته‌های خواجه‌نوری و شریفی (۱۴۰۱) و جولی و همکاران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که مهاجرت برای زنان، منافع و هزینه‌هایی همچون افزایش سرمایه اجتماعی، استقلال، عزت نفس و یا انگ و تبعیض‌های اجتماعی را به همراه دارد. مطالعات کریمیان حسین‌آباد و همکاران (۱۴۰۱)، پژوهش صادقی و همکاران (۱۴۰۰)، فنی و همکاران (۱۳۹۷)، طالشی و شبینما (۱۳۹۶)، رستمعلی‌زاده (۱۳۹۶) و شریفی و زارع شاه‌آبادی (۱۳۹۷)، عوامل اجتماعی نظیر میزان دسترسی به امکانات و نیاز به پیشرفت را از عوامل اثرگذار بر مهاجرت ذکر کرده‌اند. در بررسی‌های شهبازین و همکاران (۱۴۰۰)، نوبهار و همکاران (۱۴۰۰)، مهدی‌پور و همکاران (۱۳۹۹)، حسینی و همکاران (۱۳۹۷)، اسفندیار و نبی‌نیان (۱۳۹۷)، طالشی و شبینما (۱۳۹۶) و رستمعلی‌زاده (۱۳۹۶)، عوامل اقتصادی نظیر بیکاری و فقر، از دافع‌های اصلی مبدأ به حساب می‌آیند. یافته‌های پژوهش اسفندیاری و

سهم مهاجرت نسبت به افزایش طبیعی جمعیت (موالید و مرگ‌ها) در تغییرات حجم جمعیت)، در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ بیشترین اثر مثبت را در تغییرات حجم جمعیتی یزد داشته است، به طوری که در این بازه حدود ۳۹ هزار نفر در نتیجه خالص مهاجرتی مثبت به حجم جمعیت یزد اضافه شده است (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۳؛ محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۳۳-۱۳). هرچند الگوی مهاجران واردشده به استان یزد همسو با کشور، جنس‌گزين و سن‌گزين به نفع مردان و جمعیت جوان گروه ۲۰ تا ۲۴ ساله است، در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ خالص مهاجرت برای هر گروه مردان و زنان در یزد مثبت است. این امر بیانگر آن است که این شهر مقصد، مهاجرتی مطلوب برای هر دو جنس است (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶۲؛ محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۴۱).

با وجود تغییر الگوی مهاجرت در کشور و افزایش روزافزون مهاجرت زنان در دهه اخیر، تحقیقات اندکی در این زمینه انجام شده است. همچنین پژوهش‌های کیفی محدودی، درباره فرآیند مهاجرت زنان مطالعه کرده‌اند. با توجه به اینکه شهر یزد در جرگه مهاجرپذیرترین استان‌های ایران و همچنین مقصد مطلوب مهاجرتی برای زنان است، این پژوهش تلاش می‌کند تا فرآیند مهاجرت و مسائل و تعاملات آنها را در یک پیوستار گستره از مبدأ تا مقصد در بین زنان مهاجر واکاوی کند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی از این قبیل است که فرآیند تصمیم‌گیری زنان برای اقدام به مهاجرت و ماندگاری در مقصد چگونه رخ می‌دهد؟ زنان مهاجر در جامعه مقصد با چه پیامدهایی روبه‌رو می‌شوند و نحوه برخورد آنان با این پیامدها چگونه است؟

پیشینه تجربی

با وجود حضور زنان در روند مهاجرت‌های داخلی و خارجی و افزایش سهم آنان در این فرآیند در چند دهه گذشته، پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه اندک و جدیدند. حوزه جنسیت و مهاجرت در دهه‌های اخیر و با افزایش سهم زنان، توجه محققان را به خود معطوف کرده است؛ ولی بسیاری از ابعاد این حوزه هنوز در روند تحقیقات مغفول مانده‌اند.

¹ Tittensor & Mansouri

² Lattof et al.

³ Fleury

⁴ Gouws

⁵ Paiewonsky et al.

⁶ Jolly et al.

همکاران (۱۳۹۸) و دشینگکار و گریم^۱ (۲۰۰۵)، مهاجرت داخلی را یک راهبرد مهم معیشتی برای گروه‌های فقیر جامعه می‌دانند. نتایج بررسی‌های زاهدی و سلیمانی (۱۴۰۲)، رضایی و کمانداری (۱۳۹۳)، لطیفی و بساطیان (۱۳۹۱) و خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۰)، حاشیه‌نشینی و آسیب‌های ناشی از آن را از پیامدهای مهم مهاجرت معرفی می‌کند. مطالعه زارع مهرجردی و همکاران (۱۴۰۱)، عوامل غیر اقتصادی نظیر میل به خودساختگی و پیشرفت اقتصادی - اجتماعی، دستیابی به آزادی بیشتر و کاستن از فشار خانواده، خویشاوندان و جامعه را در مهاجرت مستقل زنان بسیار تأثیرگذار معرفی می‌کند.

افشانی و شیرینی محمدآباد (۱۴۰۱) در بررسی خود در زمینه پیامدهای مهاجرت داخلی در استان یزد، چالش ادغام مهاجران و افزایش بدبینی بومیان نسبت به مهاجران را از ضعف و چالش‌های این پیامد ذکر کرده‌اند. نتایج پژوهش شریفی یزدی و فیروزآبادی (۱۴۰۰) نشان داد تجارب شکست مهاجران با پیامدهایی مانند کاهش مشارکت اجتماعی، احساس تبعیض و طردشدگی، احساس ناتوانی، فشار روحی، کاهش احساس تعلق و انزوای اجتماعی و گمنامی همراه است. این احساس برای مهاجران و زنانی پررنگ‌تر است که از دایره ارتباطات جدا افتاده‌اند و در نهایت، مهاجران برای محافظت از خود در برابر احساس شکست، استراتژی‌هایی را چون فاصله‌گیری، مدارای اجباری، مقابله به مثل یا مهاجرت دوباره پیشه می‌کنند.

مطالعه اکبری (۱۳۹۹) عوامل اقتصادی را از عوامل اصلی مهاجرت معرفی می‌کند. این جاذبه‌ها و دافعه‌ها بعد از استقرار در مقصد نسبت به قبل از مهاجرت تغییر ماهیت می‌دهد و بیشتر مرتبط با تفاوت نوع زیست در جامعه کوچک و کلان‌شهرها، یعنی بعد اجتماعی و فرهنگی است. افیونی و قاسمی (۱۳۹۸) از اتخاذ زیست مهاجرتی از سوی زنان و پایبندی به مقصد با زندگی در شهرهای چندفرهنگی حکایت دارد. این مطالعه همچنین دل‌زدگی از شرایط اجتماعی - فرهنگی مبدأ را از دافعه‌های مبدأ برای زنان و مؤثر در

مهاجرت آنان می‌داند. نتایج بررسی‌های عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۹۸) در زمینه جریان‌های مهاجرتی استان یزد در دوره ۹۵-۱۳۹۰، حاکی از حضور پررنگ یزد در نظام مهاجرتی کشور است که بررسی پیامدهای این سطح از تغییرات را نیازمند تحقیقات وسیع‌تری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند. رفعت‌جاه و رضایی (۱۳۹۷) با بررسی هویت فرهنگی دختران دانشجو نشان دادند زندگی در محیط‌های جدید، سبب تحمیل شرایط تازه به افراد می‌شود. مطالعه عسکری ندوشن (۱۳۹۷) نشان می‌دهد یزد در دو دهه اخیر، موازنه مثبت مهاجرتی را تجربه کرده است. این امر سبب بر هم خوردن تعادل بین میزان مهاجرپذیری، امکانات و اشتغال شده است. مطالعه محمودیانی و محمودیان (۱۳۹۷) بیانگر آن است که با وجود در صدر بودن مهاجرت‌های شوهرمحور، ۲۱ درصد مهاجرت‌های خانوادگی به منظور تحقق اهداف زنان است، همچنین در ۱۹ درصد این فرآیند، زنان تصمیم‌گیرنده اصلی و در حدود ۵۰ درصد مهاجرت‌ها، در مشارکت آنان با دیگر اعضای خانواده به تصمیم‌گیری برای مهاجرت مبادرت کرده‌اند. بررسی‌های مشفق و خزایی (۱۳۹۴) نیز با استفاده از داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰، حاکی از آن است که بیش از ۵۰ درصد مهاجرت‌های زنان در مقطع سنی ۳۴-۲۰ رخ داده است و از سن ۳۵ سالگی به بعد، احتمال مهاجرت زنان کاهش چشمگیری می‌یابد. مطالعه قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۴) حاکی از آن است که سن و جنس مهاجران در جهت‌دادن به جریان‌های مهاجرتی ایرانی، حتی از نوع تبعی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

مطالعه ژائو و همکاران^۲ (۲۰۲۳) نشان داد با وجود اینکه محققان زن همچنان در بین محققان سیار بین‌المللی کمتر حضور دارند و در فواصل کوتاه‌تری مهاجرت می‌کنند، این شکاف جنسیتی با سرعت بیشتری نسبت به شکاف جنسیتی در جمعیت محققان فعال عمومی کاهش می‌یابد. بررسی نوی^۳ (۲۰۲۱) حکایت از نقش مهم مهاجرت داخلی در تحرک و قدرت اقتصادی زنان در ویتنام دارد. این پژوهش نشان داد

² Zhao et al.

³ Noi

¹ Deshingkar & Grimm

مؤلفه‌های فاصله، عوامل جاذبه و دافعه، جریان متقابل، ویژگی‌های مکانی و فضایی محل سکونت، از عوامل مهم در تبیین مهاجرت تلقی می‌شوند (Ravenstein, 1885). نظریه جاذبه و دافعه را لی^۵ (1966) نیز مطرح کرده و بسط بیشتری به آن داده است. از نظر او چهار مجموعه، از عوامل تعیین‌کننده تصمیم به مهاجرت‌اند و به صورت عوامل مثبت (جاذبه) و منفی (دافعه)، که با مبدأ مرتبط‌اند، به مقصد ربط دارند و عوامل واسط و مداخله‌گر، که بین مبدأ و مقصد وجود دارند، ویژگی‌های شخصی افراد را از هم متمایز می‌کنند؛ بنابراین در رویکرد اقتصادی، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های جمعیتی با نابرابری درآمد، انتظارات شغلی، دافعه‌ها و جاذبه‌های اقتصادی تبیین می‌شوند. همچنین تودارو^۶ (1976) نیز یکی دیگر از صاحب‌نظران اقتصادی مهاجرت است که اعتقاد دارد مهاجران براساس به حداکثر رساندن منافع مورد انتظار، دست به مهاجرت می‌زنند و این منافع مورد انتظار شامل تفاوت در درآمدهای واقعی، دستیابی به فرصت‌های شغلی و احتمال به دست آوردن شغل است.

چانت و رادکلیف^۷ (1992) چهار رویکرد تئوریک را معرفی کرده‌اند که برای تبیین مهاجرت زنان از آنها استفاده می‌شود. رویکرد تعادل^۸، نئوکلاسیک، حرکات مهاجرتی زنان روستایی را با فرصت‌های شغلی اندک و بازارهای کار شهری بررسی می‌کند و فرض را بر یکسان‌بودن انگیزه مهاجرتی زنان و مردان می‌داند. در رویکرد ساختاری، آنان بر نقش تغییرات ساختار اقتصادی - اجتماعی و سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های مهاجرت زنان تأکید دارند. رویکرد رفتاری فرض می‌کند زنان و مردان تحت نفوذ ایدئولوژی‌ها و هنجارهای فرهنگی تعیین‌کننده نقش‌های جنسیتی، رفتار مهاجرتی را بررسی می‌کنند. درنهایت، رویکرد استراتژی‌های خانوار بر این فرض استوار است که روابط قدرت و ساختارهای تصمیم‌گیری در خانواده، بر مهاجرت زنان تأثیرگذارند. براساس این رویکرد، معمولاً یکی از اعضای

زنان تمایل بیشتری به مهاجرت مستقل دارند و برای چشم‌انداز شغلی بهتر با سطح بالایی از استقلال در تصمیم‌گیری به مهاجرت، اقدام می‌کنند. برچال^۱ (2016) در مطالعه خود نشان می‌دهد که دلایل و تجارب مختلف مهاجرتی، تحت تأثیر طیف وسیعی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و جنسیت و سن افراد، نقش کلیدی در تجارب مهاجرت دارند. پژوهش ژانگ^۲ (2014) نشان داد زنان مهاجر روستایی در چین، به‌آسانی از هویت دهقانی خارج می‌شوند. در عین حال او برای دیگر مهاجران روستایی در زمینه‌های مختلف، مرزبندی سیال انجام داده است که در خدمت تقویت تمایز بین زنان مهاجر و تضعیف همبستگی آنهاست.

بررسی پژوهش‌های انجام‌گرفته نشان می‌دهد جنسیت، نقش پررنگ و انکارنشدنی در فرآیند مهاجرتی ایران، آن هم هم‌راستا با جهان دارد. عوامل اجتماعی به موازات عوامل اقتصادی، نقش بسزایی در تحرک مکانی کشور، به‌خصوص برای زنان دارد و پیامدهای اجتماعی فراوانی را نظیر تغییر سبک زندگی برای آنان فراهم می‌آورد. همچنین پژوهش‌ها از نقش مؤثر سیاست‌ها در جهت‌دهی به علل و پیامدهای مهاجرت در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خبر می‌دهند. در این راستا استان یزد که در دو دهه گذشته، بستری مهاجرپذیر بوده است، به بررسی‌های بیشتری در ابعاد گوناگون ساختاری در این زمینه نیاز دارد.

پیشینه نظری

در این بخش تلاش می‌شود تا رویکردها و دیدگاه‌های مرتبط با موضوع پژوهش بررسی شود. رویکرد اقتصادی که رویکرد غالب تبیین‌کننده مهاجرت است، بیشتر با عنوان «تئوری‌های جاذبه دافعه»^۳ شناخته می‌شود. قوانین روانشتاین^۴ از اولین تعاریف است و مهاجران را افرادی می‌داند که به‌طور عقلانی، به دنبال دستیابی به زندگی اقتصادی بهترند. در این قوانین،

⁵ Lee

⁶ Todaro

⁷ Chant & Radcliffe

⁸ The Equilibrium Theory

¹ Birchall

² Zhang

³ Push-Pull Theories

⁴ Ravenstein

خانوار برای کار، مهاجرت می‌کند.

در نظریه شبکه‌ای^۱، شبکه‌های مهاجران مجموعه‌ای از روابط بین شخصی است که از طریق نسبت‌های خویشاوندی و قومیتی، دوستی و جامعه مبدأ مشترک، مهاجران را به مهاجران قبلی در مقصد و به غیر مهاجران در مبدأ پیوند می‌دهد (Massey et al., 1993: 448). شبکه‌های مهاجران، با کاهش هزینه‌ها و خطرات مرتبط با مهاجرت و افزایش منافع آن، میزان مهاجرت را افزایش می‌دهند و پیوندهای شبکه‌ای در قالب سرمایه اجتماعی، دسترسی مهاجر را به امکانات مقصد تسهیل می‌کنند. زمانی که تعداد مهاجران به تعداد درخور توجهی افزایش یابد، کاهش هزینه‌ها، مخاطرات و تحرکات مکانی بعدی اتفاق می‌افتد. مهاجرت‌های اولیه (به‌علت نبود آشنا) با هزینه‌های زیادی همراه است؛ اما مهاجرت‌های بعدی (به‌علت وجود آشنا در مقصد)، به تدریج کم‌هزینه‌تر می‌شوند. کاهش مخاطرات (نظیر دستیابی نداشتن به شغل مناسب) مهاجرت نیز به همین صورت شکل می‌گیرد (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۷).

در نظریه استراتژی فرهنگ‌پذیری، این مفهوم فرآیند یادگیری است که از آن طریق فرد زندگی را در یک زمینه اجتماعی-فرهنگی جدید، شروع می‌کند. فرهنگ‌پذیری یک فرآیند مداوم و متقابل است و تمامی افرادی را در بر می‌گیرد که در یک جامعه متکثر فرهنگی زندگی می‌کنند. در واقع این فرآیند فرهنگ‌پذیری از اجتماعی‌شدن اولیه، که در جامعه قبلی رخ داده است، برای تعداد زیادی از گروه‌ها مثل مهاجران و همچنین برای افراد طبقه مسلط اتفاق می‌افتد که با جامعه بزرگ‌تر تماس‌های روزانه دارند (Barry, 2005; Sam & Barry, 2006). افراد و گروه‌ها در جامعه جدید براساس دو کیفیت متمایز، به سازگاری می‌رسند: ۱- رفاه فردی^۲ (سازگاری روان‌شناختی) و ۲- قابلیت اجتماعی^۳ (سازگاری اجتماعی-فرهنگی). در این راستا از دیدگاه فرهنگی-قومیتی گروه غیرمسلط مهاجران، چهار استراتژی فرهنگ‌پذیری، یکپارچگی، همانندگردی، جدایی و حاشیه‌ای‌شدن از هم متمایز می‌شوند

(Berry, 2008: 50).

زیمل (۱۳۷۲) در کار خود با عنوان «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، به تمایل به شخصی‌سازی بین مردم شهر توجه می‌کند. از نظر آنها راه عملی برای همزیستی با تعداد بسیاری از افراد ناآشنا در فضای پر ازدحام شهری، تنها از طریق روابط بی‌تفاوت و حتی همراه با اکراه میسر است؛ بنابراین خودداری از کنش متقابل، نه تنها به معنای کناره‌گیری اجتماعی، شرط اولیه برای زندگی اجتماعی است که آرامش افراد را همراه با صلح نسبی اجتماعی تضمین می‌کند.

ذره‌ای‌شدن (اتمیزه‌شدن) اصطلاحی در حوزه سیاسی است که در اندیشه‌های آرنت^۴ (۱۳۶۳) مطرح شده است. به نظر او، از آغاز انقلاب صنعتی و فروپاشی ساخت اجتماعی قدیم، فرد در جامعه مدرن دچار تنهایی و جدا افتادگی (اتمیزه‌شدن) ترسناکی شده و این خود (حوزه عمومی) زندگی سیاسی را دچار خلل کرده است. حاصل این فرآیند، پیدایش فرد منزوی و از جامعه بریده شده است که تنهایی او نه تنها به معنی با دیگری نبودن، به معنی با خودنبودن نیز است. مطابق دیدگاه آرنت، این تنهایی منفی، ویژگی توده‌های عظیم جمعیت در قرن بیستم است.

بررسی نظرهای حوزه مهاجرت زنان، نشان می‌دهد عوامل مختلفی در ارتباط با جنسیت، در مهاجرت زنان نقش دارد. گرچه برآیند این نظریات، حکایت از نقش پررنگ مشکلات اقتصادی در مهاجرت زنان دارند، با وجود این، از نقش مسائل اجتماعی و فرهنگی و ساختاری در سوق‌دادن زنان به مهاجرت غافل نشده‌اند. همچنین نظریات، فرهنگ‌پذیری را فرآیندی می‌دانند که شکل و میزان آن در ارتباط دوسویه فرد مهاجر و جامعه میزبان رخ می‌دهد. بررسی دیدگاه‌های زیمل و هانا آرنت نیز، سبب شکل‌گیری حساسیت نظری در بعد زندگی شهری و مدرن و نوع کنش کنشگران در این زمینه شد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از روش‌شناسی کیفی بهره گرفته است. با

¹ Network Theory

² Personal Well-being

³ Social competence

⁴ Arendt



سال گذشته بود و ویژگی‌های متفاوت ذکرشده در بالا را داشتند، مصاحبه شد.

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و شامل سؤالاتی از قبیل علت اصلی تصمیم به مهاجرت، درجه تأثیرگذاری زنان در فرآیند مهاجرت، سطح دسترسی به امکانات در زادگاه در ابعاد گوناگون، روند زندگی در مبدأ، چگونگی تعاملات خویشاوندی و همسایگی در زادگاه، چگونگی ادغام زنان مهاجر در یک محیط ناآشنا، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مبدأ و مقصد بوده است. در روند اجرایی مصاحبه، چالش‌های زیادی وجود داشت؛ از جمله جلب اعتماد زنان مهاجر، به‌خصوص آنانی که به صورت مستقل مهاجرت کرده بودند که این امر به‌واسطه شبکه خیران و گروه دوستان یزدی زنان مهاجر میسر شد. مسئله دیگر، زمان‌بندی مناسب مصاحبه به‌واسطه اشتغال و مشغله‌های دیگر زندگی مشارکت‌کنندگان، از جمله همسر و فرزندان آنان بود. در نتیجه تلاش شد مصاحبه‌ها در چند مرحله، در فضایی آرام و به دور از دغدغه ذهنی زنان مهاجر باشد؛ از این رو بازه زمانی برای مصاحبه بین یک ساعت و سی دقیقه تا هفت ساعت و سی دقیقه متغیر بود. در ادامه، داده‌ها به‌صورت کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی به‌صورت نظام‌مند و پیوسته تحلیل شد. با توجه به ملاحظات اخلاقی، قبل از شروع فرآیند مصاحبه، محقق اطلاعات کاملی را به مشارکت‌کنندگان داد؛ از جمله اهداف پژوهش، طریقه انتشار و نتایج آن. همچنین به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اسامی آنان به‌صورت مستعار و یا نام کوچک ذکر می‌شود، اطلاعات شخصی آنان نزد محقق محفوظ و ویس‌های مصاحبه به‌عنوان امانت تا تایپ کامل باقی می‌ماند و سپس پاک می‌شود. در زمینه اعتمادپذیری تحقیق، تلاش شد تا در جریان مصاحبه، فرصت کافی به مشارکت‌کنندگان برای تأمل درباره موضوع بحث شده داده و سؤالاتی از دل صحبت‌های مشارکت‌کنندگان پرسیده شود. همچنین در مواردی که پرسش و جوابی برای مشارکت‌کننده یا محقق مبهم بود، با بازکردن موضوع مربوطه یا مطرح کردن پرسش به‌صورت دیگر، در ابهام‌زدایی از مسئله

توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر، بررسی فرآیند حضور زنان در جریان‌های مهاجرتی است، بنابراین بهترین استراتژی برای بررسی این فرآیند، نظریه زمینه‌ای با رهیافت نظام‌مند کریبن و استراوس^۱ (2008) است. نظریه زمینه‌ای دو معنای مرتبط دارد: (۱) مجموعه‌ای از راهبردهای روش‌شناختی سیستماتیک که روشی متمایز برای انجام تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌های استقرایی است و (۲) محصول این فرآیند تجزیه و تحلیل نظری کامل این داده‌هاست. اساساً استراتژی‌های نظریه زمینه‌ای، از روش‌های مقایسه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده می‌کنند و مستلزم فرآیند تکراری جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل هم‌زمان داده‌ها هستند (Bryant & Charmaz, 2007: 406). روش نمونه‌گیری در این پژوهش، هدفمند است و در انتخاب نمونه‌ها تلاش شده است تا حداکثر گوناگونی لحاظ شود. مشارکت‌کنندگان در پژوهش انجام‌شده، زنان مهاجری بودند که از دیگر استان‌های کشور، همچون شیراز، سیستان و بلوچستان، کرمان، تهران، اهواز، خوزستان، زنجان و فارس وارد یزد شده‌اند. بازه سنی آنان بین ۲۴ تا ۵۰ سال است. مشارکت‌کنندگان از نظر تحصیلات بین بی‌سواد تا کارشناسی ارشد، از نظر وضع تأهل در چهار گروه مجرد، متأهل، بیوه و مطلقه، از نظر مذهب، شیعه و سنی، از نظر اشتغال، دارای تنوع شغلی و گروه زنان خانه‌دار و از نظر نوع مهاجرت در دو گروه تبعی و مستقل بودند. شایان ذکر است که این گوناگونی به‌سبب رسیدن به توصیفات غنی‌تر در رابطه با موضوع پژوهش لحاظ شده است. در این فرآیند، ابتدا از روش نمونه‌گیری هدفمند و سپس نظری استفاده شده است. به عبارتی دیگر، نمونه‌گیری به‌گونه تصادفی نبود و در مسیری انجام شد که بیشترین بازه نظری را به‌همراه داشته باشد. برای یافتن داده‌های مطمئن در جهت شفاف‌سازی دقیق ابعاد پژوهش حاضر، مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع داده، یعنی تا زمانی ادامه یافت که داده‌های به دست آمده تکراری شوند. در این راستا در بازه زمانی مرداد تا آبان ۱۴۰۱، با ۲۱ نفر از زنانی که از استان‌های مختلف کشور به یزد مهاجرت کرده بودند، از طول مدت اقامتشان در این شهر، بیش از دو

^۱ Corbin & Strauss

کوشش شد. در زمینه اتکاپذیری پژوهش، مصاحبه‌ها به صورت دقیق و جزء به جزء تایپ شدند و تلاش بر آن بود که فاصله مصاحبه‌ها تا اجرا در کوتاه‌ترین زمان ممکن باشد.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان مهاجر مشارکت‌کننده در پژوهش^۱، سال ۱۴۰۱

Table 1- Demographic characteristics of immigrant women participating in the research, 2022

پاسخگو (نام مستعار)	سن	تحصیلات	مذهب	شغل	وضع تأهل در مهاجرت	وضع تأهل در مهاجرت	تعداد فرزندان	مبدأ مهاجرت	طول مهاجرت (به سال)	نوع مهاجرت	علت مهاجرت
آرزو	۲۴	دبیرستان اول	شیعه	کار خانگی	متاهل	متاهل	۲	خوزستان	۸	همراه با همسر	کار همسر، مشکلات خانوادگی، آب و هوا
زهره	۲۸	دبیرستان	شیعه	خانه‌دار	متاهل	متاهل	۱	کرمانشاه	۲	همراه با همسر	کار همسر
مریم	۲۸	سیکل	شیعه	کار در هایپر مارکت	مطلقه	در شرف طلاق	۲	نورآباد شیراز	۲	مستقل	وجود خیران زیاد در یزد، فرار از شوهر برای تسهیل طلاق، حضور در محیطی بهتر برای آرامش و تربیت فرزندان
ندا	۳۰	کارشناسی	شیعه	ماما	مجرد	مجرد	۰	اقلید فارس	۸	مستقل	تحصیل
سارا	۳۲	کارشناسی	شیعه	خانه‌دار	متاهل	متاهل	۲	زابل سیستان و بلوچستان	۱۰	همراه با همسر	کار همسر
فرشته	۳۶	سوم راهنمایی	شیعه	جمع‌آوری ضایعات	در شرف طلاق	متاهل	۲	داراب فارس	۷	مستقل	تصادف همسر و رانده‌شدن از طرف خانواده همسر، به دنبال حمایت خانواده پدری
معصومه	۳۶	ابتدایی پنجم	شیعه	کارگر خدماتی	متاهل	متاهل	۲	یونان فارس	۱۵	همراه با همسر	کار همسر
حلیمه	۳۶	ابتدایی پنجم	اهل سنت	کارگر گلخانه	متاهل	متاهل	۳	زابل سیستان و بلوچستان	۵	همراه با همسر	بیماری فرزند
شیما	۳۸	دبیرستان	شیعه	کارگر خدماتی	مطلقه	در شرف طلاق	۲	اهواز	۸	مستقل	نداشتن امنیت جانی به دلیل اعتیاد همسر، سختی گرفتن طلاق در مبدأ
آسیه	۳۸	کارشناسی	شیعه	خانه‌دار	متاهل	مجرد	۲	یونان فارس	۱۱	مستقل	تحصیل

^۱ اسامی داخل جدول مستعار است.

تشویق شوهر خواهر، فرار از ازدواج اجباری مجدد	مستقل	۸	رفسنجان کرمان	۳	مجرد	متاهل	کارگر خدماتی	شیعه	دیپلم ناقص	سمیرا
حمایت از خواهر بیوه که عروس یزد بوده است. کار برادرها	خانوادگی	۲۰	راور کرمان	۲	مجرد	متاهل	کارمند اداره پست	شیعه	دیپلم	محبوبه
انتقال شغلی خانم، اختلاف خانوادگی	ب. همراه همسر	۳	شیراز	۲	متاهل	متاهل	مربی ورزش	شیعه	دیپلم	لعبا
شکایت همسر که ساکن یزد، برای دیدن فرزندان، دخالت‌های خانواده بعد از طلاق،	مستقل	۱۲	زنجان	۳	متاهل	مطلقه	دار طبقات و پاک کردن	اهل سنت سنی،	ششم نهضت	زیبا
بیماری فرزند، کار همسر	همراه با همسر	۷	کهنج کرمان	۲	متاهل	متاهل	خانه‌دار	شیعه	دیپلم	لیلا
مشکلات خانوادگی _ کار	همراه با همسر	۱۸	مشهد	۲	متاهل	متاهل	کارگر خدماتی	شیعه	پنجم ابتدایی	زینب
اختلاف خانوادگی بر سر ارت در نتیجه فوت پدر	خانوادگی	۱۳	تهران	۰	مجرد	مجرد	روانشناس	شیعه	ارشد بالینی	زهرا
کار، دور شدن از فامیل	مستقل	۷	ایرانشهر سیستان و بلوچستان	۵	متاهل	متاهل	کارگر کارخانه	شیعه	سوم نهضت	سلیمه
کار	همراه با همسر	۸	زهک سیستان	۱۰	متاهل	متاهل	بسته‌بندی میوه	اهل سنت	بی سواد	رخشان
پنهان ماندن علت بیماری دختر از آشنایان	همراه با همسر	۷	اتار کرمان	۳	متاهل	متاهل	خانه‌دار	شیعه	پنجم ابتدایی	فاطمه
نیاز به کمک دختر در باره بیماری همسر	همراه با همسر	۶	بردسیر کرمان	۲	متاهل	همسر فوت شده بازنسته آموزش و پرورش	شیعه	کارشناسی	۵۵	ناهد

یافته‌ها

اصلی، ۱۰۳ مقوله فرعی و ۱۱۱۰ مفهوم است که به جهت محدودیت فضا، در جدول ۲ تنها به بیان مقولات فرعی، اصلی و هسته اکتفا شده است.

تحلیل داده در یک فرآیند منسجم و منظم به صورت زمانبندی شده، موجب شکل‌گیری مقوله هسته (پدیده) متمایز شدن زندگی شهری بود. این پدیده شامل ۲۳ مقوله

جدول ۲- مقولات مربوط به ذره‌ای شدن زندگی شهری

Table 2- The main and subcategories related to the core category of the research

مقوله هسته	مقولات اصلی	مقولات فرعی
	چرخه فلاکت در مبدأ	چرخه فلاکت خویشاوندی، تنگنای اقتصادی در مبدأ، چرخه فقر خانوادگی
	خویشاوندان قاضی	سوءاستفاده منفعت طلبانه نزدیکان، مداخلات فزاینده خویشاوندی، سوگیری‌های انتظاری آشنایان، انتظارات نامعقول خویشاوندی، وازدگی خویشاوندی، فقدان حمایت خویشاوندی در مبدأ، رهاشدگی، تبعیض حمایتی والدین، فقدان اعتماد خویشاوندی، سلطه خویشاوندی، عرف هم‌خانگی با خانواده همسر، درگیری فزاینده خویشاوندی، و اماندگی در تعاملات خویشاوندی
	مسئله ناامنی در مبدأ	آسیب‌های جسمانی در مبدأ، خلأ زندگی خانوادگی، مسئولیت‌پذیرفتن همسر، انزوای اجتماعی، آسیب‌های روانی در مبدأ
	اختلال شخصیتی-عملکردی	انزوای اجتماعی، تزلزل شخصیتی، انفعال شخصیتی، اختلال روانی خانوادگی
	زادگاه دوستی	حمایت‌های مالی-عاطفی در مبدأ، تعلق زادگاهی، دل‌بستگی قومی
	همراهی همسر	استقلال عملکردی همسر، همسر همراه
	پوچ‌گرایی	پوچ‌گرایی
	فقدان بسترهای توسعه در مبدأ	فقدان امکانات اجتماعی در مبدأ، فقدان امنیت شغلی-اقتصادی در مبدأ، کژکارکردی سیاست‌های منطقه‌ای، ناکارآمدی حمایت‌های اجتماعی
	کژکارکردی قوانین	نارسایی قوانین ارزشی، کژکارکردی قوانین
	سنت‌های مسموم	کودک‌همسری، فرهنگ کنترل‌گر، هراس هنجاری در مبدأ، فرهنگ ایستای مبدأ
	ثبات مقصد	آرامش محیطی مقصد، امنیت محیطی مقصد، امنیت اقتصادی در مقصد
ذره ای شدن زندگی شهری	گمنامی جویی	آشناهراسی، پنهان‌کاری ناشی از هراس خویشاوندی، شخصیت حاشیه‌گریز، گمنامی جویی، شخصی‌سازی زندگی در غیاب خویشاوندی، ثبات حریم خصوصی در مقصد
	گزینش‌گری در ارتباط	تحدید تعاملات اجتماعی در مقصد، گزینش معاشرتی در مبدأ، بازتعریف ارتباط خویشاوندی، غیرگرایی
	بیگانه‌ستیزی	بیگانه‌ستیزی
	سرمایه اجتماعی در مقصد	جاذبه‌های تعاملی مقصد، سرمایه‌های دوستی در مقصد، تعاملات سودبخش اجتماعی در مقصد، شبکه گسترده خیران در مقصد، مهاجرت شبکه‌ای حمایتی
	کیفیت زندگی ارتقایافته	بهبود کیفیت زندگی همسو با بهبود امکانات، برتری امکانات اجتماعی در مقصد، بهره‌وری اجتماعی-فرهنگی در مقصد، پیشرفت‌های خانوادگی، فرزندمحوری در ماندگاری، جاذبه‌های فرهنگی-مذهبی مقصد، بهبود کیفیت زندگی
	بازآفرینی شخصیت	بازآفرینی شخصیتی در مقصد، بهبود روابط همسری، ارتقای آرامش روانی در مقصد
	ارتقا تاب‌آوری	مثبت‌اندیشی، اصالت رفتاری، پویایی شخصیتی، اجتماع‌طلبی، باورهای معنوی قوی
	رنج‌های اقتصادی در مقصد	چرخه فقر در مقصد، فشار فزاینده اقتصادی در مقصد، فرسایش شغلی در مقصد، دغدغه مسکن در مقصد، حقارت‌های اقتصادی در مقصد، فشار فزاینده زندگی در مقصد
	رنج‌های عاطفی مقصد	منفی‌انگاری مهاجرت، تمایل نداشتن خانواده به زندگی مقصد، سوگیری نسبت به مقصد، رنج‌تهایی در مقصد، تشویش‌های ذهنی دوری از مبدأ، کاهش حمایت‌های عاطفی آشنایان
	ناسازگاری‌های فرهنگی-محیطی	تضاد محیط طبیعی مبدأ و مقصد، انطباق‌نداشتن فرهنگی-محیطی، فرهنگ بیمار مقصد، اختلاط فرهنگی مقصد.
	تعلق‌زدایی از مبدأ	جایگزینی زادگاهی، شهردوستی، تضعیف تعلق زادگاهی

چرخه فلاکت در مبدأ

تدبیری، حتی ازدواج با نگرش اقتصادی، راه‌گریز از آن نبوده است. فلاکت در زندگی این زنان، که معجونی از مصائب، همچون اعتیاد خویشاوندی و خانوادگی، تعدد طلاق و ازدواج، آشفتگی زندگی والدین، زندانی شدن همسر، بیکاری خانوادگی، ازدواج‌های خارج از عرف، کودک‌همسری و نظایر

داستان زندگی بعضی از زنان مشارکت‌کننده نشان می‌داد در تمام دوران زندگی خود درگیر فقر و فلاکت بوده‌اند. زنان مشارکت‌کننده از بدبختی در خانه پدری، انتقال آن به خود و تکرار آن در زندگی فرزندان‌شان گفتند؛ چرخه‌ای که هیچ

همسر را سبب درماندگی خود در زادگاه ذکر کرده‌اند. شایان ذکر است در بسیاری از موارد، خانواده همسر زنان مشارکت‌کننده، از جمله خویشاوندانی بودند که تأثیر مستقیم و انکارنشدنی در شکل‌گیری تعارضات داشته‌اند. آرزو (۲۴) ساله، اول دبیرستان، ۸ سال اقامت؛ از دل‌زدگی خود و شوهرش از زندگی کنار خانواده همسر می‌گوید:

«بخوام راستش رو بگم، شوهرم واقعاً زده شد. از سر کار که میومد خونه واسش دیگه ردیف می‌کردن. زنت این کار رو کرد، زنت اون کار رو کرد، امروز غذا درست نکرد، امروز جارو نزد، امروز این حرف رو زد، امروز رفت داخل اتاق خودش، امروز رفت بیرون، امروز رفت مغازه. دیگه واقعاً زده شده بودیم دوتایی مون. بهمون گفت سوا شین، سوا شدیم. آقا چرا سوا شدین؟ می‌رفتن شکایت پیش این، پیش اون واقعاً سخت بود. اومدیم اینجا مسافرت دیگه برنگشتیم [می‌خنده].»

مسئله ناامنی در مبدأ

زندگی متلاطم در مبدأ، رنج فراوانی را برای زنان مشارکت‌کننده به‌همراه داشته است. فقدان زندگی خانوادگی مناسب در کنار والدین، نپذیرفتن مسئولیت از طرف همسر و فقدان امنیت روانی و جسمی، همچون بار روانی رفتار اقوام در اثر تعارضات مداوم، زندگی ناشیوی ناموفق، مشروعیت‌نداشتن اجتماعی خانواده به‌دلیل اعتیاد و فحاشی‌های مکرر در ملائع، تهدیدهای جسمی و روانی همسر به‌سبب اعتیاد و بدبینی مزمن، گاه چنان فشاری را بر زنان مشارکت‌کننده تحمیل کرده است که آنان فرار را به‌مثابه آخرین راه‌حل برای رهایی و رسیدن به امنیت برگزیده‌اند. سلیمه (۴۶ ساله، سوم نهضت، ۷ سال اقامت)، از فقدان امنیت فرزندان کنار همسر می‌گوید:

«گرد می‌کشید، شیشه می‌کشید. الان تقریباً ۹ ساله، ۱۰ ساله. یک شب بیدار شدم از خواب با چاقو دیدم بالا سر ما نشسته، بعد گریه کردم، می‌خواست بچه‌های ما رو بکشد. این جور بود، اصلاً به حال خودش نبود.»

آن بوده است، با دگرگونی یک‌باره زندگی آنان بیش از حد تشدید شده است. زنان مشارکت‌کننده، از بین رفتن زیبایی ظاهری و ازدواج مجدد همسر، فوت پدر، درگیری‌های خویشاوندی بر سر ارث، تصادف همسر، مسئله دیه، ره‌اشدن از سوی همسر و چالش حضانت فرزندان با خانواده همسر در جریان طلاق را از دگرگونی‌های دانسته‌اند که بر تلاطم‌های زندگی آنان افزوده و مهاجرت را به‌مثابه تنها راه رهایی و ادامه زندگی پیش رویشان قرار داده است. سمیرا (۴۰ ساله، دیپلم ناقص، ۸ سال اقامت)، فقر و فلاکت خانواده خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«داداشم معتاد بود و بیکار و از زندان آزاد شده بود، بابام افتاده بود زندان من دیگه تنها ... می‌رفتم توی آشپزخونه‌ای، رستورانی سرکار. دوباره اونجا خسته شدم. تنها، نه پولی ... از صاب‌کار پول می‌گرفتم. داداشم خستم کرده بود، هی می‌گفت پول بده. هر روز می‌گفت پول بده. وسط رستوران میومد پول می‌خواست ازم. می‌گفت من الان گشتمه، من مواد می‌خوام...»

خویشاوندان قاضی

حضور بیش از اندازه و دستکاری خویشاوندان در همه ارکان زندگی زنان مشارکت‌کننده، علت بسیار مهم و تشدیدکننده در تصمیم به مهاجرت آنان است. آنان از درگیری‌های بی‌شمار با خویشاوندان خود در زمینه‌های مختلف، از دخالت‌های فزاینده در همه ابعاد زندگی تا انتظارات و سوگیری‌های آزاردهنده آنها می‌گفتند. زنان مشارکت‌کننده، نمونه‌های بسیاری از رفتارهای تنش‌آمیز، نظیر پذیرفته‌نشدن از سوی خانواده همسر، دخالت اقوام بعد از طلاق در زمینه نگهداری فرزندان، ازدیاد تعاملات بدون در نظر گرفتن شرایط بد اقتصادی، اجبار پدر برای واگذاری فرزندان به خانواده همسر بعد از طلاق، تبعیض‌های والدین در زمینه‌های گوناگون از ارث تا مسئله حمایت مادی و عاطفی از فرزندان، از دست دادن اعتماد نسبت به خویشاوندان به‌واسطه حمایت‌نشدن در مواقع موردنیاز و شایعه‌پراکنی‌های بسیارشان، سلطه بیش از حد عرف‌های قومی، نظیر زندگی اجباری در کنار خانواده

اختلال شخصیتی عملکردی

سخته واقعاً بهم سخت گذشت. اون حمایت رو ندارم واسم سخت گذشت. مثلاً خودم دل‌تنگ فامیلا می‌شم، دل‌تنگ بالاخره خواهرم، بچه‌های خواهرم اهواز هستن».

همراهی همسر

زنان مشارکت‌کننده، بر همراهی یا همراهی‌نکردن همسر در زندگی مشترک تأکید داشتند. آنان تصمیم مهاجرت از سوی خود و همدلی همسر در این راه، اعتماد همسر به تصمیم‌هایشان، همراهی و همفکری در زندگی مشترک را در تسهیل روند مهاجرت و زندگی در مقصد بسیار مؤثر دانستند. استقلال تصمیمی همسر و قدرت بالای او در دفاع از حریم زندگی در مقابل دخالت‌های آشنایان نیز، از مواردی بود که زنان مشارکت‌کننده را به مهاجرت و ساخت دوباره زندگی در شهر جدید دلگرم کرده است. زیبا (۴۲ ساله، ششم نهضت، ۱۲ سال اقامت)، از خانواده‌دوستی همسر می‌گوید:

«همسر هر کی دخالت می‌کرد، مثلاً من یه بچه داشتم دیگه، به روز دختر خاله‌اش گفت رفتی زن گرفتی، زنه بچه هم داره؟! گفت من فضول تو زندگی‌م هیچ‌وقت نخواستم. خودم دوست داشتم گرفتم. خیلی خونواده‌دوست بود».

پوچ‌گرایی

رنج‌ها، مشکلات، تنش‌ها و آشفتگی‌ها در زندگی بعضی از زنان مشارکت‌کننده و ناتوانی برای تغییر، سبب رسیدن به احساس پوچی در آنان شده بود. زنان از تأسف فرزندآوری و درگیر کردن فرزندان در مشکلات، خودکشی‌های مکرر و عادی شدنش در زندگی‌شان، بدشانسی ازلی خود و تداوم ابدی آن می‌گفتند. زنان مشارکت‌کننده، خسته و بریده از زندگی، ناامید از یافتن راه نجات و محکوم به زندگی بودند تا بتوانند حداقل آینده روشنی را برای فرزندان خود بسازند. مریم (۲۸ ساله، سیکل، ۲ سال اقامت)، خودکشی‌های مکرر خود را این‌چنین بیان می‌کند:

«فکر کن سه بار خودکشی کردم من! بار سوم هرچی گشتم قرص دم دستم نبود، رفتم تو یخچال دیدم دو تا بسته قرص جلوگیری و با کلی قرص مسکن و اینا، اونا رو خوردم. من که آسترا کاریم نکرد، اونا چه کارم می‌کرد؟!»

فشار متحمل بر زنان مشارکت‌کننده در مسیر زندگی‌شان، گاه چنان زیاد بوده است که سبب فروپاشی روانی آنان شده است. این امر در ادغام با شخصیت منزوی و منفعل زنان مشارکت‌کننده و در ترکیب با بیماری روانی مورثی که از خانواده وام گرفته بودند، سبب اختلال در رفتار و عملکردهای آنان شده است. همچنین تأثیرات منفی و روانی گاه در این زنان چنان شدید بوده است که عملکرد جسمی آنان را مختل کرده و همین امر نیز چرخه‌ای برای افزایش فشار روانی و در نتیجه اختلال بیشتر در آنان بوده است. مریم (۲۸ ساله، سیکل، ۲ سال اقامت)، از شدت فشار روانی در زندگی مشترک و تأثیر آن بر جسم خود می‌گوید:

«منم این ذاتم مریضه، چون خودش و بابام اینا نمی‌دونم ارث از کجا بهشون رسیده، همین شکلی [منظور ناراحتی اعصاب ارثی]. خودم روزی چهارتا ژلوفن می‌خوردم، بلکه درد پاهام تسکین بشه و بتونم اینا رو من مدیریت کنم. به‌خاطر اینکه من استخون‌درد عصبی گرفتم. وقتی ناراحت می‌شدم از اینجا [با دست کمرش رو نشان می‌دهد] به پایین دیگه تعطیل می‌شد».

زادگاه‌دوستی

تعلق به زادگاه و اولویت زندگی در مبدأ، در صحبت‌های بعضی از زنان مشارکت‌کننده به روشنی دیده می‌شود. آنان معتقدند زندگی در فرهنگ آشنا، به انسان عزت نفس می‌دهد. بعضی از زنان مشارکت‌کننده با وجود دوری از زادگاه، تلاش دارند همچنان از اصالت زادگاهی و زبان مادری خویش در شهر جدید صیانت کنند، ارتباط خود را با خانواده و آشنایان حفظ کنند و در مواردی معدود، آن را گسترش دهند. پیوندهای عمیق خویشاوندی و دل‌بستگی قومی، به اضافه برخورداری از حمایت‌های مالی و عاطفی از سوی آشنایان در مبدأ، نقش پررنگی در زادگاه‌دوستی زنان مهاجر داشته است. شیما (۳۸ ساله، دیپلم، ۸ سال اقامت)، از کاهش حمایت‌های اقوام در نتیجه مهاجرت می‌گوید:

«خیلی دوست دارم تو فامیل خودم باشم. تو یزد خیلی

[می‌خنده].

نجات‌دهنده زندگی مدنی نام برد، چنین قوانینی تنها باعث فروپاشی بسیاری از خانواده‌ها نیز می‌شوند. زنان مشارکت‌کننده از نارسایی قوانین ارزشی، بدون توجه به مدرن شدن جامعه، از ناکارآمدی قوانین ارث، طلاق و مهریه، از استیصال خود در برابر قوانین دیه، از عقیم‌بودن قوانین در حوزه‌های مختلف مرتبط با زنان و پروسه فرسایشی روند اجرای آنها می‌گفتند. همچنین بعضی مواقع در جامعه سنتی ایران، به دلیل قدرت بالای عرف و مذهب، روند معکوسی به صورت کنترل قوانین توسط عرف رخ می‌دهد و موجب می‌شود بخش خاصی از جامعه در جهت پیشبرد اهداف، از این روند سوءاستفاده کند. با توجه به موارد ذکر شده از سوی زنان مشارکت‌کننده، کژکاردهی‌های قوانین در ایران، تأثیر مستقیم در زندگی آنان داشته و نقطه شروع تلاشی زندگی‌شان، تصمیم‌گیری برای مهاجرت و ترک دیار توسط آنان و خانواده‌هایشان بوده است. زهرا (۴۵ ساله، ارشد بالینی، ۱۳ سال اقامت)، از تلاطم زندگی خانواده بعد از مرگ پدر، بر اثر قوانین ارث می‌گوید:

«قانون ارث مملکت باعث شد ما بیایم یزد. فقط به خاطر قانون یک ششم ما مهاجرت کردیم. من پدرم فوت کرد و درگیر ارث و میراث شدیم. کلاً سیستم زندگی من عوض شد. علتش هم اینه که مادر من سخته کرد و ما مجبور شدیم بیایم یزد زندگی کنیم. دیگه انقدر اونجا اعصابمون به هم ریخته و دکتر گفت برید شهرستان یا جایی که حال و هواتون عوض بشه».

سنت‌های مسموم

در جامعه ایران با وجود مدرن‌شدن ظاهر جامعه، هنوز هم آثار فراوانی از سلطه عرف و سنت دیده می‌شود. مناطقی وجود دارد که با پافشاری فراوان، به خصوص از سوی خود زنان، همچنان فرهنگ را به صورت تقلیدوار، ایستا نگه داشته‌اند و از هیچ‌گونه تغییر و تحولی استقبال نمی‌کنند. زنان مشارکت‌کننده، نمونه‌های فراوانی از چنین رفتارهایی را در زادگاه خود به اشتراک گذاشته و از اجبار زنان این مناطق برای خودسانسوری در زمینه‌ها مختلف گفته‌اند. انگشت‌نمایی

فقدان بسترهای توسعه

فقدان امکانات اجتماعی و اقتصادی در مبدأ، از اولین و مهم‌ترین مسئله‌هایی است که زنان مشارکت‌کننده و خانواده‌هایشان را به ترک زادگاه ترغیب می‌کند. نبود امکانات درمانی، تحصیلی، مسکن، آب آشامیدنی سالم و سختی دسترسی به آنها از یک سو و فقدان امنیت و ثبات شغلی و درآمدی از سوی دیگر، از جمله معضلاتی است که مهاجرت را تنها راه‌حل‌رهایی پیش روی مهاجران قرار داده است. در این راستا، کژکارکردی سیاست‌های منطقه‌ای به صورت توزیع نامناسب منابع در بین مناطق مختلف کشور و اخذ سیاست‌ها، بدون توجه به شرایط منطقه و مردم ساکن آن، بر زیست بحرانی بعضی مناطق همچون خشک‌سالی، بیکاری، شرایط بد آب و هوایی، حاشیه‌نشینی و نظایر آن دامن زده است. به اعتقاد زنان مشارکت‌کننده، سرنوشت از پیش تعیین شده زندگی مردم در روستاها و شهرهای کوچک و ناتوانی برای تغییر آن، حاصل فقدان بسترهای توسعه و ناکارآمدی حمایت‌های اجتماعی از سوی دولت است که ساکنان این مناطق را به انتخاب دو راه، یعنی ماندن، پذیرش شرایط و عقب‌گرد مکرر و یا ترک دیار و تلاش برای جست‌وجوی شرایط بهتر در منطقه‌ای دیگر مجبور می‌کند. آسیه (۳۸ ساله، کارشناسی، ۱۱ ساله اقامت)، از نبود امنیت شغلی در زادگاه می‌گوید:

«من شوهرم شغل نداشت خوب، شغلی که ثابت باشه. الان اینجا میره کارخونه، ولی اونجا اصلاً شغل درست حسابی نبود. خیلی هام از اون منطقه‌ها اومدن، شاید یه برج [ماه] می‌شد ۱۰ تومن، ۵ تومن، ۲ یا ۳ تومن پیدا کنن، ولی برج بعدش هیچی هیچی!».

کژکاردهی قوانین

سلطه قوانین در ایران بر زندگی مردم عادی، بدون منطبق شدن با دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی، گاه چنان زندگی آنان را دچار چالش می‌کند که نه تنها نمی‌توان از قوانین به‌عنوان

مشارکت‌کننده، به دو دلیل رخ داده است. آنان از یک‌سو از تضعیف پیوندهای خویشاوندی در نتیجه پراکندگی مهاجرت خانواده در شهرهای مختلف برای جست‌وجوی زندگی مطلوب می‌گویند و از سوی دیگر معتقدند زندگی در شهرهای بزرگ، افراد را به سمت کاهش تعاملات و چارچوب‌دهی سبک جدیدی از معاشرت سوق می‌دهد. شهرهای بزرگ از دید زنان مشارکت‌کننده، خودبه‌خود زندگی را به لایه‌هایی محکم از حریم خصوصی می‌کشاند، چنان‌که خانواده‌ها در ابعاد مختلف به شدت هسته‌ای‌اند، ارتباط خویشاوندی در آنها بسیار کم و شبکه غیرخویشاوندی انتخابی از سوی افراد خانواده، نقش پررنگ‌تری در تعاملات دارند. بیشتر آنان، به‌خصوص زنانی که به‌صورت مستقل مهاجرت کرده‌اند، به چنین سبک زندگی چارچوب‌بندی‌شده‌ای، که گاه حتی همسایه از همسایه خبر ندارد، علاقه‌مند بودند و کاهش معاشرت‌های غیرمفید و تنش‌زا، افزایش آرامش و کسب تجربه‌های جدید را از مزیت‌های متمیزه‌شدن زندگی شهری به‌شمار می‌آوردند. فاطمه (۵۱ ساله، پنجم ابتدایی، ۷ سال اقامت) از کم‌رنگ‌شدن روابط خویشاوندی در زندگی شهری می‌گوید:

«در حد همین سلام علیک بیرون هستیم. همسایه همسایه رو ببینه، رفت و آمد خانوادگی نه، خیلی دوست ندارم نه خودم، نه شوهرم، نه بچام. با خواهرم باور می‌کنین یه کوچه فاصله داریم، سه ماه چهارماه همدیگه رو نمی‌بینیم!».

گمنامی جویی

شخصی‌سازی زندگی و امکان حفظ حریم شخصی، از مهم‌ترین دغدغه‌های مطرح‌شده از سوی زنان مهاجر بود. خصوصی‌سازی زندگی گاه تا جایی برای آنان مهم بود که جزء مهم‌ترین علت مهاجرت از سوی عده‌ای از زنان مهاجر مشارکت‌کننده مطرح می‌شد. گریز از آشنایان به‌سبب دخالت‌ها و ملامت‌های مداوم، امکان شخصی‌سازی زندگی در غیاب افراد آشنا، کاهش کنترل عرف در محیط ناآشنا، فزونی آرامش و ثبات حریم خصوصی در مقصد به‌دلیل

در پی ناهماهنگی ظاهری یا فکری در زادگاه، هراس از هنجارشکنی در محیط کوچک، فقدان حریم خصوصی در جامعه کوچک و آشنای مبدأ، محدودشدن و کنترل شدید اجتماعی در محیط آشنا، از جمله رنج‌های زنان مشارکت‌کننده بود. محبوبه (۴۰ ساله، دیپلم، ۲۰ سال اقامت)، از کنترل شدید اجتماعی در محیط آشنا می‌گوید:

«مثلاً اونجا هم عروسم میره مغازه، خودش رفته وام گرفته. مثلاً مادر شوهرم بدش میاد. می‌گه چه معنی داره زن بره [سرکار]...».

ثبات مقصد

آنچه بیشتر زنان مشارکت‌کننده، متفق‌القول بر آن صحنه می‌گذاشتند، امنیت بالای مقصد از بعد محیطی و اقتصادی بود. زنان مشارکت‌کننده حتی آنانی که به‌صورت مستقل مهاجرت کرده بودند، اظهار داشتند که با وجود تنهایی، اصلاً احساس ناامنی در شهر مقصد ندارند. همچنین زنان مشارکت‌کننده از رضایت خود در زمینه امنیت بالای شغلی به‌صورت تنوع شغل و اشتغال دائم خود یا همسر، امنیت درآمدی و پرداخت به‌موقع دستمزدها، مزیت بیمه شغلی، امکان اشتغال پاره‌وقت در مقصد می‌گفتند. مضاعف اینکه از دید آنان در کنار امنیت شغلی و محیطی، آرامش محیطی مقصد نیز، از لحاظ دوری از آشنایان و جمعیت کم شهر جدید، سبب ثبات و سکون زندگی‌شان در مقصد شده است. زهره (۲۸ ساله، دیپلم، ۳ سال اقامت)، امنیت اقتصادی مقصد را این‌طور بیان می‌کند:

«والا ما قبلاً تو شهر خودمون شوهرم همین آرماتوربندی کارش بود، ولی خب قیمت کار اونجا پایین‌تر بود نسبت به اینجا. قبل از اینجا بندرعباس بودیم. بعد اونجا هرچی کاری می‌کرد پولشو بهش نمی‌دادن، ولی اومدیم یزد گفتن قیمت کار بالا و هرچیم کار کردیم خدایی سر وقت پولشو بهش دادن».

ذره‌ای‌شده (تمیزه‌شدن) زندگی شهری

تجدید معاشرت و شخص‌سازی زندگی از سوی زنان

کنه بهمون. بعداً میگن هان اینا کمک می‌خواستن، ولی غریبه راز دلم بهش میگم. میگم دستم خالیه، بچم مریضه، مستأجریم، نداریم. دوست داشت می‌ده، دوست نداشتم نمیده، ولی آشنا اصلاً دلم نمی‌خواد بفهمه دستم خالیه، می‌ترسم حرفم بی‌پچه توی خانواده که بگن هان کمک می‌خواستی و اینا، غریبه داد داد، نداد نداد، تموم میشه میره...».

بیگانه‌ستیزی

زنان مشارکت‌کننده به ندرت اظهار داشتند که ترجیح می‌دهند با آشنایان و خویشاوندان خود معاشرت داشته باشند. آنان از بازگرددن مشکلات خود نزد افراد غریبه واهمه داشتند، نسبت به آنان بی‌اعتماد بودند و خیرخواهی اقوام را بیش از افراد ناشناس و حتی شبکه دوستی خود می‌دانستند. هرچند در پی مهاجرت، ارتباط آنان با آشنایان به واسطه دوری راه و مسائل زندگی کاهش یافت، اما همچنان اقوام، اولویت معاشرتی آنان بوده‌اند. معصومه (۳۷ ساله، پنجم ابتدایی، ۱۵ سال اقامت)، از ترجیح خود برای تعامل با خویشاوندان می‌گوید:

«مشکلی با شوهرم داشتیم. خالم می‌گفت این راهشه این چاهشه. هنوزم مشکلی برام پیش میاد زنگ می‌زنم؛ مثلاً به داییم زنگ می‌زنم کمک می‌کنه راهنماییم می‌کنه. با آشنا نسبت به غریبه خیلی راحت‌تر هستی و هر مشکلی داری می‌تونی به داییت راحت‌تر بگی تا به یه غریبه. غریبه شاید بره پیش کسی و بگه فلانی مشکل داشت و مشکلم من حل کردم و یک کلاغ و چهل کلاغش کنه.»

سرمایه اجتماعی در مقصد

در بیشتر تصمیم‌های مهاجرت از سوی زنان مشارکت‌کننده و خانواده‌هایشان، نقش شبکه اجتماعی حمایتگر به وضوح دیده می‌شود. آنان از ترغیب خود یا همسر از سوی شبکه دوستی و خویشاوندی ساکن مقصد گفته‌اند. حمایت دوستان یزدی، وجود خیران زیاد، مراسم‌های مذهبی و پذیرفته شدن در چنین مراسم‌هایی از سوی مردم بومی یزد، از جاذبه‌های تعاملی شهر جدید از دید آنان محسوب می‌شد. در این راستا مجموعه این

ناشناسی و فرهنگ انزوای طلب شهری، مواردی بودند که زنان مشارکت‌کننده بر آن تأکید بسیاری داشتند و آن را سبب دستیابی به آرامش و در نتیجه پیشرفت خود در زندگی شخصی و شغلی می‌دانستند. از سوی دیگر این امر برای زنان مشارکت‌کننده، با شخصیتی بی‌حاشیه و آرام، اهمیت مضاعف داشت. زینب (۴۵ ساله، پنجم ابتدایی، ۱۸ سال اقامت)، از فزونی آرامش خود با دوری از خانواده همسر می‌گوید:

«زندگیم به آرامش خیلی بیشتری رسید. الان سر و گوشم راحت، کسی نیست که غرغم کنه، کسی نیست که چیزیم بگه، یا مثلاً بچه من بره بیرون و بیاد بگه حالا دخترش کجا رفت... خیلی تهمت می‌زدن مادرشوهرم بهم. اگر پسرعموی من می‌ومد خونه‌مون به شوهر من می‌گفتن این رفیقه با زنت. این قدری که من اینجا راضی بودم، اینجا خوشحالم، مشهدم نبودم.»

گزینشگری در ارتباط

بازتعریف شبکه ارتباطی، از جمله انتخاب‌هایی است که زنان مشارکت‌کننده بر اثر مجموعه‌ای از عوامل، همچون ناخوشایندی آگاهی اقوام از مشکلات، اطمینان از حمایت‌نکردن آشنایان و بی‌اعتمادی به آنان، از مبدأ شروع به انجام آن می‌کنند. در این مسیر، آنان از ارتباطات غیرمفید و تنش‌زا در مبدأ می‌کاهند و به گزینش معاشرت در شبکه‌های مختلف از دوستانه تا خویشاوندی دست می‌زنند. در ادامه، واگرایی از شبکه زادگاهی، آنان را در مقصد به تحدید تعاملات اجتماعی در چارچوب مورد انتظار و غیرگرایی غربال شده و سودمند سوق می‌دهد. زنان مشارکت‌کننده به اعتماد خود به شبکه جدید شکل گرفته تأکید می‌کنند و بیشتر بودن حمایت غریبه‌ها نسبت به آشنایان، شرم کمتر هنگام کمک‌خواهی از غریبه‌ها، حفظ آبرو توسط غریبه‌ها و اطمینان به حمایت از جانب افراد ناشناس و حفظ مسائل زندگی در چارچوب حریم شخصی را از مزیت‌های این شبکه جدید به شمار می‌آورند. فاطمه (۵۱ ساله، تحصیلات پنجم، ۷ سال اقامت)، از غریبه معتمد می‌گوید:

«به‌خاطر اینکه آشنا همون اول بخوایم اصلاً کمک نمی‌

آشنایان در زندگی‌شان می‌دانستند. همچنین زنان مشارکت‌کننده بر اثربخشی مستقیم، بهبود شرایط اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی‌شان در ابعاد گوناگون مادی و روانی تأکید داشته‌اند. مضاعف اینکه آنان از تمایل شدید فرزندان خود برای ماندن، به دلیل برتری امکانات و فرهنگ مقصد نسبت به مبدأ می‌گویند. مجموعه عوامل یادشده به اضافه دغدغه آینده فرزندان، زنان مهاجر را به ماندن در هر شرایطی برای بهبود زندگی آنان تشویق می‌کند. لعیا (۴۲ ساله، دیپلم، ۳ سال اقامت)، پیشرفت‌های خانوادگی خود را در مقصد چنین توصیف می‌کند:

«از نظر زندگی، درآمد بهتر هستش، راحت‌تر می‌تونید با زندگی‌تون کنار بیاین. خداروشکر از وقتی هم که اومدیم یزد، خب خونه نخریدیم، ولی خب خونه خوب تونستیم اجاره کنیم. مثلاً پیشرفت‌های دیگه تو زندگی‌مون داشتیم خیلی... مثلاً توی داوریم پیشرفتی که توی یزد داشتیم، توی شیراز نداشتیم. شوهرم تونست ماشینشو عوض کنه. واقعاً پیشرفت خودم، شوهرم، بچه‌هام رو دارم می‌بینم. اون تلاطم‌هایی که توی زندگی‌م بود رو دیگه نیست. اینکه دوری از اونا [خانواده] باعث شد و از اون جو زندگی که اومدیم بیرون».

بازآفرینی شخصیت

بیشتر زنان مشارکت‌کننده، مهاجرت را مسیری در جهت رشد و انقلاب شخصیتی خود می‌دانستند. آنان بازآفرینی شخصیتی خود را در زیست لحظه‌های نریسته زندگی، رشد آگاهانه، افزایش انعطاف‌پذیری و بلوغ رفتار خود در زمینه‌های مختلف فردی، نظیر افزایش قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری بیان داشتند و بهبود ارتباط با همسر، افزایش آرامش روانی و پیشرفت‌های شغلی و اجتماعی را از مزیت‌های آن به شما می‌آوردند. زهرا (۴۵ ساله، ارشد بالینی، ۱۳ سال اقامت)؛ مهاجرت را یک انقلاب در زندگی خود می‌داند:

«این مهاجرت باعث شد لحظه به لحظه زندگی‌مو زندگی کنم و زندگی نریسته‌ای رو نداشته باشم. این رو مدیون تمام کسانی هستم که توی یزد هستن؛ کسانی که باهاشون بودم و به جوری گره خوردم و در تماس بودیم و

شبکه گسترده، تعاملات سودبخش را برای زنان مشارکت‌کننده به همراه داشته و سبب حمایت‌های مادی و عاطفی در قالب‌های گوناگون از آنان شده است. این کمک‌ها از کوچک‌ترین سطح، نظیر کاهش رنج تنهایی توسط گروه دوستانه و همسایگی و تأمین نیازهای اولیه زندگی تا بالاترین سطح همچون یافتن شغل، ضمانت‌های بانکی، جست‌وجوی خانه و رایزنی در کاهش اجاره‌ها ذکر شده است. این‌طور به نظر می‌رسد که شبکه گسترده خیران و دوستانه انتخابی زنان مشارکت‌کننده و خانواده‌هایشان، نقش بسزایی در ساختن دوباره زندگی از سوی آنان داشته‌اند. شبکه سرمایه اجتماعی مقصد در مسیر زندگی زنانی که به صورت مستقل و بدون پشتوانه مهاجرت کرده بودند، اهمیتی صد چندان داشته است. مریم (۲۸ ساله، سیکل، ۲ سال اقامت)، ساخت دوباره زندگی خود و فرزندان را با حمایت‌های خیران مقصد این‌گونه بیان می‌کند:

«یزد خیلی خیر داره. خدا خیرشون بده، خیلی به آدم کمک می‌کنن. می‌دونید؟ یعنی قشنگ من اگر کمک بچه‌های قاسم‌آباد نبودن، نمی‌تونستم پنج روزم تو یزد بمونم، چون من هزاری پول نداشتیم. یکی بنده‌خدا بود اومدن با همین مرکز نیکوکاری رفتم پیششون می‌شناختم، اومدن یکی سوئیت ۷۰ متریم بود برام گرفتن، خودشون چک دادن و با بنگاهی صحبت کردن، با صاحب‌خونه هم، یک‌سال اونجا موندیم. مثلاً این خونه بر فرض ۳۰ تومن با دو و نیم مستاجر روش بوده، مثلاً واس خاطر من داد ۵ تومن با یک و سیصد. مثلاً میگم شرایط، توی شیراز به هیچ عنوان همچین شرایطی نصیب نمیشه».

کیفیت زندگی ارتقاء یافته

به اعتقاد زنان مشارکت‌کننده، کیفیت زندگی آنان بعد از مهاجرت در ابعاد مختلف افزایش یافته است. از نظر آنان این ارتقای کیفیت از یک‌سو، همسو با بهره‌روری از امکانات اجتماعی، تأثیرپذیری فرهنگی و بهره‌مندی از غنای مذهبی مقصد و آرامش ناشی از آن بود و از سوی دیگر آن را نتیجه دوری از مبدأ و تنش‌های حاصل از دخالت و تأثیرگذاری

هر کدوم از این افراد باعث شدن من رشد کنم و در مسیر رشد قرار بگیرم».

ارتقای تاب‌آوری

زندگی برای زنان مشارکت‌کننده، پر از افت‌وخیز بوده است. آنان روایتی از مشکلات بی‌نهایت خود را در زمینه‌های مختلف در زادگاه، اجبار به مهاجرت و مسائل مختلف خود در شهر جدید بیان داشتند؛ اما بسیاری از زنان مشارکت‌کننده اذعان کردند که در مسیر مهاجرت، به واسطه زندگی در شهر جدید و دستیابی به آرامش و امکانات بیشتر، از لحاظ روانی و جسمی خود را بازسازی کرده‌اند. آنان از پویایی زندگی و هدفمند شدن آن در شهر جدید گفته و این تغییرات را مدیون باورهای معنوی قوی خود همراه با رسیدن به پذیرش بالا در زمینه‌های مختلف، محیط آرام و فرهنگ مذهبی مقصد دانسته‌اند. ناهید (۵۵ ساله، کارشناسی، ۶ سال اقامت)، می‌گوید:

«بله، خیلی خیلی خیلی خیلی عجیب بود یزد برای من. عجیب این آرامشه خدا برای من قرار داد. اصلاً همیشه گفت تصادف بود، اتفاق بود؛ یعنی واقعاً اون خستگی روحی که داشتم، بعد شوهرم مریض شد وقتی اوادم یزد؛ انگار خدا تموم یزدیا که با من برخورد کردن، انگار خدا مأمور کرد که مرا به آغوش بگیرن. من اصلاً تو آغوش یزدیا هستم...».

رنج‌های اقتصادی مقصد

زنان مشارکت‌کننده از سختی‌های بی‌شمار اقتصادی خود در مقصد مهاجرتی می‌گفتند. آنان ناتوانی در برابر فشارهای فزاینده اقتصادی، از جمله نبود تعادل هزینه-درآمدی، اجبار به کارکردن در مشاغل سخت و بیشتر کارگری و در نتیجه فرسایش جسمی و روحی ناشی از آن، تنهایی طولانی مدت فرزندان به دلیل اشتغال مادر، از دست دادن شغل زادگاهی خود به دلیل سبک متفاوت زندگی در شهر جدید، بیکاری همسر و حقارت ناشی از تضاد طبقاتی با همسایگان بومی خود را از جمله رنج‌های اقتصادی مقصد بیان می‌کردند.

مضاعف اینکه زیرزمین نشینی در مقصد، که متفاوت با سبک زندگی آنان در زادگاه بوده است، مستأجر بودن، گرانی مکرر اجاره‌بها و هراس از آوارگی، از دغدغه‌های مهم این زنان در شهر جدید است. سلیمه (۴۶ سال، سوم نهضت، ۷ سال اقامت)، رنج‌های اقتصادی خود را در مقصد این‌چنین بیان می‌کند:

«گاهی این جور می‌شدم دخترم، به خدا می‌شینم گریه می‌کنم [با بغض می‌گه و گریه می‌کنه]. گاهی شده که می‌خواستم خودم رو بکشم که راحت بشم، از این زندگی کلاً خسته شدم. گاهی می‌مونم ۵ تومن که برم نونوایی یه نون بگیرم. ندارم یا میرم نونوایی مثلاً میگم به من نون بده چهار تا پنج نون بهم بده، من حقوق می‌گیرم میارم. دو و پونصد کرایه خونه میدم چی می‌مونه. این قدر رنج می‌کشم؟!»

رنج‌های عاطفی مقصد

زنان مهاجر اظهار می‌داشتند که در فرآیند مهاجرت، با رنج‌های عاطفی بسیاری درگیر بوده‌اند. تمایل نداشتن به مهاجرت و حس منفی نسبت به ترک زادگاه که سبب تشویش‌های ذهنی و روانی فراوان برای آنان بوده است از یک سو و دید منفی نسبت به شهر مقصد، ناتوانی خانواده برای ادغام در شهر جدید و شرایط زندگی در مقصد مهاجرتی، از جمله غربت، تنهایی و از دست دادن حمایت‌های عاطفی آشنایان و دیدارهای کم خویشاوندی به سبب فاصله و هزینه گزاف سفر از سوی دیگر، بار روانی بسیاری برای این زنان به همراه داشته است. لعی (۴۲ ساله، دیپلم، ۳ سال اقامت) نیز رنج‌های خود را در شهر جدید این‌طور بیان می‌کند:

«[با گریه می‌گه] اوایل خیلی سخت بود، خیلی خیلی خیلی سخت بود. نمی‌تونستم خودم رو وفق بدم، ولی با همه وجود جلوی بچه‌ها می‌گفتم نه اینجا مثل شیرازه. دیگه آدم ۳۰ سال، ۳۵ سال توی شیراز زندگی کرده بود، به همه چیش آشنا بود. دلم می‌گرفت می‌تونستم برم خونه کسی با کسی درد دل کنم، ولی من اینجا هیچ کسی رو نداشتم».

ناسازگاری‌های فرهنگی-محیطی

یک چالش بزرگ از نظر زنان مشارکت‌کننده، ارتباط‌گیری با مردم مقصد بوده است. آنان از دافعۀ ارتباطی بومیان و نگرش منفی آنان به افراد غیر بومی و فرهنگ بیش از حد درون‌گرایی مقصد می‌گفتند. اختلاط بسیار فرهنگی در بعضی از مناطق مقصد به دلیل ازدیاد مهاجر، یکی دیگر از نکات منفی فرهنگی این شهر نزد زنان مشارکت‌کننده به شمار می‌آمد. تضاد محیط طبیعی مبدأ و مقصد، از جمله بدی آب و هوا و فقدان مکان تفریحی در شهر جدید نیز، نارضایتی بسیاری برای زنان مهاجر و خانواده‌هایشان به دنبال داشت و آنان را در هر فرصتی، به بازگشت مدام به مبدأ سوق می‌داد. محبوبه (۴۰) ساله، دیپلم، ۲۰ سال اقامت، از تمایل نداشتن مردم یزد برای معاشرت با غریبه‌ها می‌گوید:

«حتی همین صاحب‌خونهام خیلی دوست دارم باهاشون خوب باشم، ولی اون خیلی منو تحویل نمی‌گیره. مثلاً یک بسته پستی اش گم شده بود، من خودم کارمند پستم و همه منو می‌شناسن. بهش گفتم که بیا باهم بریم من برات کاراتو انجام میدم و بسته‌ات رو پیدا می‌کنم. مثل اینکه زیاد علاقه نداشت. من فکر می‌کنم که غریبه‌ها رو خیلی زیاد دوست نمی‌دارند».

تعلق‌زدایی از مبدأ

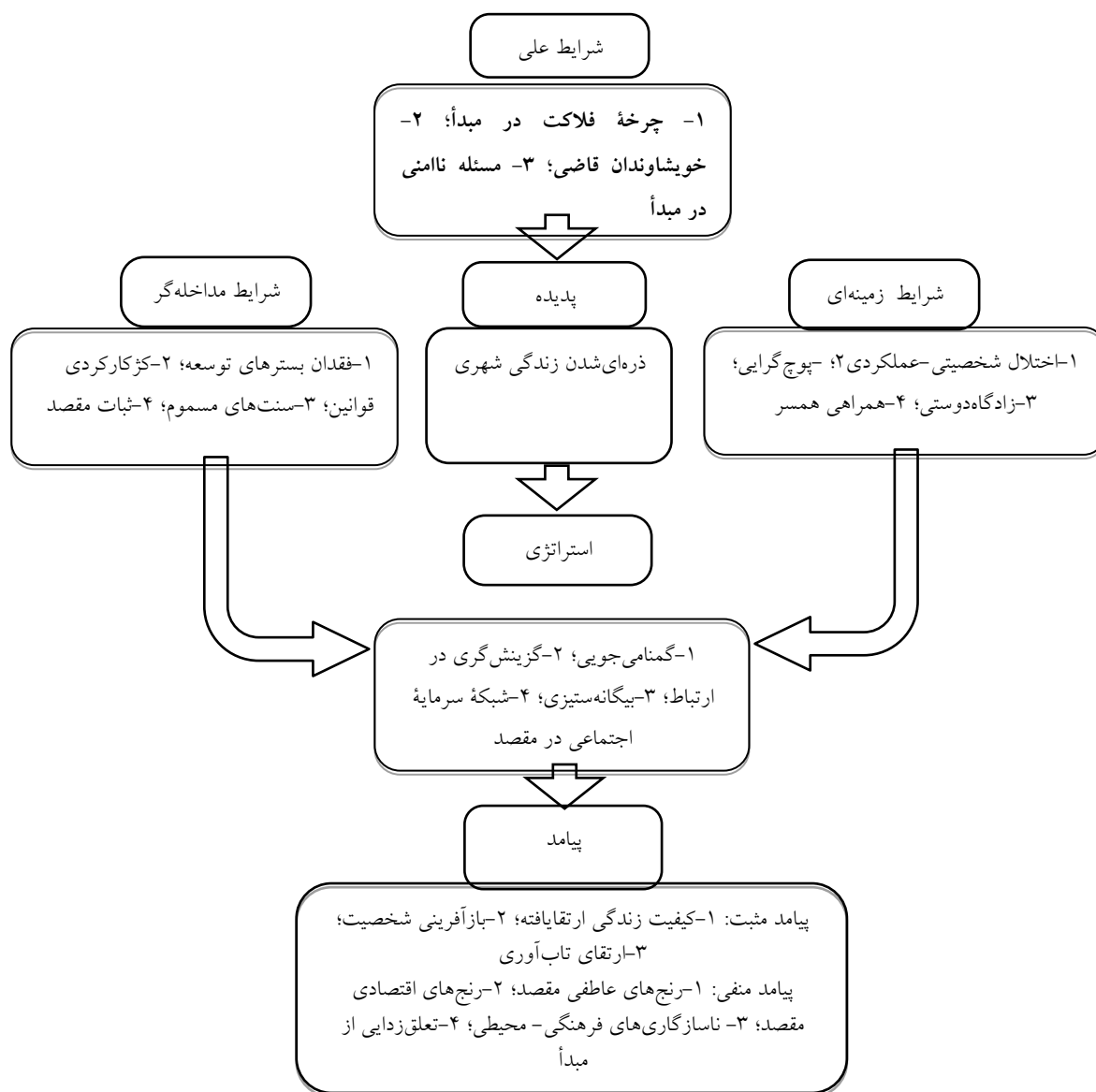
عادت به زندگی در شهر، جبر بازگشت به دلیل تحمل‌نکردن زندگی در روستا، از دست دادن تعلق خویشاوندی و زادگاهی به واسطه رنج‌های فراوان محیطی و خویشاوندی و یا فوت والدین، سبب تضعیف تعلق زادگاهی و اصرار زنان مشارکت‌کننده به ماندن در مقصد شده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد زندگی طولانی مدت در مقصد، گاه چنان در روح و جان زنان مشارکت‌کننده ریشه دوانده است که آنان دچار نوعی جایگزینی زادگاه در ناخودآگاه خود شده‌اند. در این راستا، آنان وقتی از مبدأ صحبت می‌کردند، چنان غربت

در کلامشان پررنگ بود که انگار خود را متعلق به آنجا نمی‌دانستند و مقصد را زادگاه اصلی‌شان به حساب می‌آوردند. آرزو (۲۴) ساله، اول دبیرستان و ۸ سال اقامت، از کم‌رنگ‌شدن تعلق به زادگاه می‌گوید:

«زن عموم میگه چرا ما شهرستانیا (خودشو تو یک‌سال شهرستانی حساب می‌کنه) چرا ما شهرستانیا اینجوری‌ایم، دیگه نمی‌تونیم تو اون محله تو اون فامیل دوباره زندگی کنیم، دوباره برگردیم؟! الآن موقعی که من برمی‌گردم بهم میگن چرا این جور شدی؟ یعنی زیاد نمیگی، شوخی نمی‌کنی، حرف نمی‌زنی، نمی‌ای».

الگوی پارادایمی تحقیق

ترسیم الگوی پارادایمی از آن جهت اهمیت دارد که نشان‌دهنده روند کدگذاری باز براساس کدگذاری محوری است. در این جریان، روند حاکم بر پژوهش به صورت ترسیم دیداری به نمایش درآمد و مقوله هسته (پدیده مرکزی) و زیرمقوله‌های حاصل از کدگذاری باز، مشخص شد. این فرآیند به گونه‌ای دقیق، جریان پژوهش را به تصویر می‌کشد و با قراردادن هریک از مقوله‌ها در مکان خود (شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامد) در فهم بهتر الگوی برگرفته از کدگذاری، کمک می‌کند. با توجه به روند ذکرشده، مقوله هسته (پدیده مرکزی) به دست آمده از فرآیند پژوهش و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، ذره‌ای از زندگی شهری است. ذره‌ای شدن به ابعاد مختلفی از واکنش‌های خواسته و ناخواسته مهاجران در شهرهای بزرگ با فرهنگ خاص اشاره دارد که زندگی آنان را به لایه‌های ضخیم شخصی می‌کشاند. زنان مهاجر در این مسیر از طریق مدیریت روابط با افراد آشنا و ناآشنا، در کاهش تنش و افزایش بهره‌وری در جهت بهبود کیفیت زندگی می‌کوشند.



شکل ۱- الگوی پارادایمی پژوهش

Fig 1- Research paradigm model

بحث و نتیجه

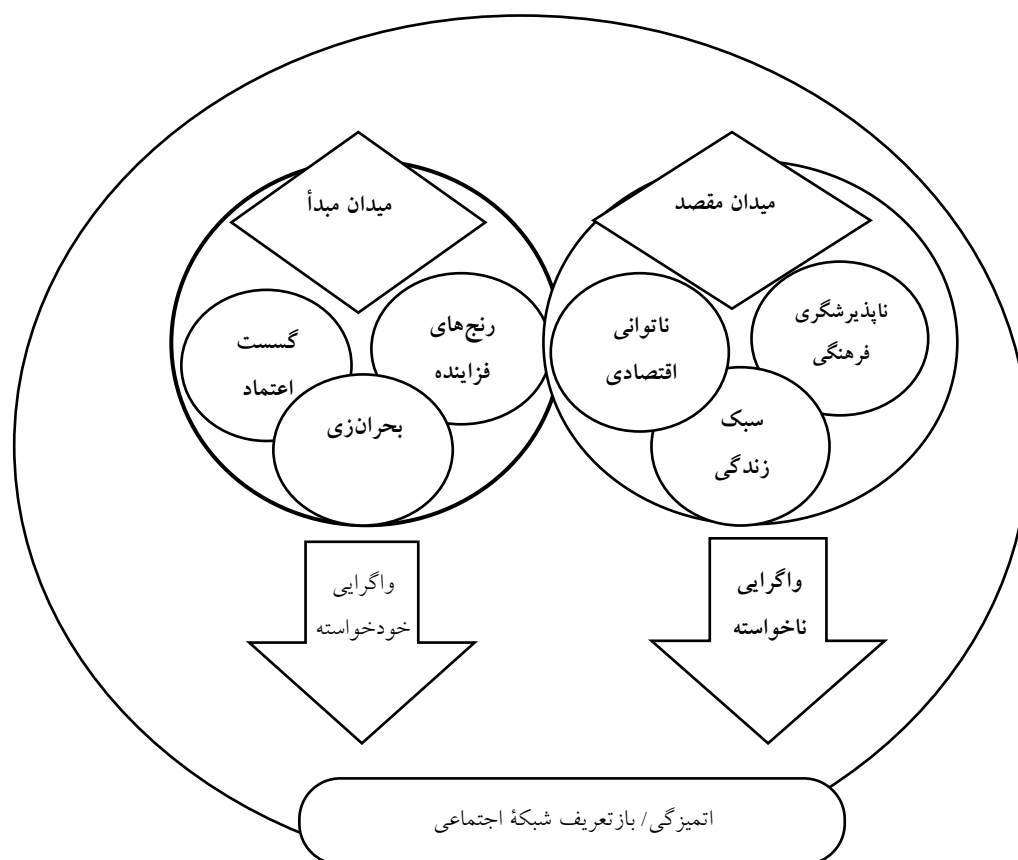
در پژوهش حاضر، فرآیند مهاجرت ۲۱ نفر از زنان مهاجر ساکن شهر یزد و تجربه زیسته آنان از ذره‌ای شدن زندگی در مسیر مهاجرت واکاوی شد. نتایج این پژوهش در قالب یک طرح‌واره نظری ارائه شد. از این طریق، کلیت پژوهش و یافته‌های به دست آمده و روابط بین مقوله‌ها، به صورت انتزاعی شرح داده شد تا به واسطه آن، فرآیند تکامل پژوهش پدیدار شود.

نظریه این پژوهش در طرح‌واره زیر ارائه می‌شود. همان‌طور که مشخص است، زنان در مبدأ با مسائل مختلفی

درگیرند. این مسائل با تنوع و تکرار خود، زنان را در گذران زندگی روزمره خود، دچار چالش‌های فراوانی می‌کند. این عوامل در سه دسته کلی رنج‌های فزاینده پایدار، گسست اعتماد و بحران‌زی قرار می‌گیرند. رنج‌های فزاینده پایدار به در هم آمیختگی اشکال مختلف رنج در بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تنش‌های خویشاوندی و اختلال‌های روانی موروثی اشاره دارد. از یک سو چرخه فقر و فلاکت خویشاوندی، با تکرار خود در نسل‌های مختلف، سبب فقدان حمایت خانوادگی و ناامیدی زنان مهاجر برای بهبود زندگی می‌شود و از سوی دیگر، خویشاوندان با دستکاری در همه

زندگی و اجبارکردن زنان به سانسور رفتار دلخواه، چالش‌های فراوانی را برای زنان مهاجر در مبدأ به‌همراه دارد. کژکارکردی قوانین نیز در حوزه‌های مختلف همچون دیه، ارث، ازدواج و طلاق، سهم بسزایی در فرسایش روانی و جسمی زنان مهاجر دارد و مانع بزرگی بر سر راه آنان برای پیشرفت و بهبود کیفیت زندگی‌شان محسوب می‌شود. نتایج مطالعه افیونی و قاسمی (۱۳۹۸) نیز، با پژوهش حاضر همسو بوده و دل‌زدگی از شرایط فرهنگی و اجتماعی را یکی از دلایل مهم مهاجرت زنان برشمرده است. مطالعه زارع مهرجردی و همکاران (۱۴۰۱) نیز عوامل غیر اقتصادی، نظیر دستیابی به آزادی بیشتر و کاستن از فشار خانواده، خویشاوندان و جامعه را در مهاجرت مستقل زنان بسیار تأثیرگذار می‌داند. نوی (2021) نیز در بررسی خود، رسیدن به استقلال در تصمیم‌گیری و فرصت‌های شغلی مناسب را از عوامل تصمیم به مهاجرت زنان ذکر می‌کند.

امور زندگی زنان مشارکت‌کننده، سختی مضاعفی را به زندگی این زنان تحمیل می‌کنند. زنان فاقد همسر به‌دلیل بیوگی یا طلاق و زنان دارای همسر، هرکدام به‌نوعی از وجود خویشاوندان رنج می‌برند. تنش‌های بسیار در زندگی زنان فاقد همسر، از دخالت‌ها و انگ‌های بی‌شمار خویشاوندی-اجتماعی تا تهدیدات جسمی از سوی همسر سابق، زندگی این زنان را مختل و دچار آشفتگی فراوان می‌کند. این تنش‌ها در زندگی زنان مهاجر دارای همسر، به‌صورت تعارضات مداوم با خانواده همسر و نداشتن امنیت جانی و روانی زنان مهاجر و فرزندانشان کنار همسر نمود دارد. فقدان حمایت اقوام، به‌خصوص خانواده‌ها در بعد عاطفی و اقتصادی نیز، تأثیر فزاینده‌ای بر وضعیت روحی و روانی زنان مهاجر داشته است. علاوه بر این، فرهنگ ایستا و کنترل‌گر مبدأ در زمینه‌های مختلف، از جمله سلطه عرف‌های خویشاوندی، نظیر زندگی اجباری کنار خانواده همسر و بده‌بستان‌های ازدواجی، کنترل شدید اجتماعی از ظاهر تا خصوصی‌ترین مسائل



شکل ۲- طرح‌واره نظری پژوهش

Fig 2- The theoretical schema of the research

در بعدی دیگر، گسست اعتماد نسبت به شبکه دوستانه و خویشاوندی به سبب سرزنش‌ها و شایعه‌پراکنی و گزافه‌گویی‌های وافر، سوگیری‌های مداوم، به‌خصوص از سوی خانواده همسر و پذیرفته‌نشدن از جانب آنان، انتظارات نامعمول خانواده نظیر واگذاری فرزند به خانواده همسر بعد از طلاق و رهاشدن از سوی آنان در برهه‌های مختلف زندگی از کودکی تا بزرگسالی، تبعیض‌های حمایتی والدین در زمینه‌های اقتصادی و عاطفی، تغییر رفتار دوستان و آشنایان با دگرگونی شرایط زندگی زنان مهاجر، نظیر کاهش یا افزایش توان اقتصادی، بر تلاطم‌های زندگی زنان مشارکت‌کننده افزوده و سبب نوعی گریز آنان از آشنایان، ازدگی نسبت به تعاملات خویشاوندی، تلاش برای گمنامی‌جویی و شخصی‌سازی زندگی برای دستیابی به آرامش شده است. زنان مهاجر از علت‌های اصلی تلاش برای ماندگاری خود در مقصد و کاهش ریسک برگشت به مبدأ را رسیدن به آرامش با دوری از آشنایان و امکان گمنامی در شهر به دلیل سبک زندگی خاص آن و کاهش فشارهای اجتماعی ناشی از عرف ذکر کرده‌اند. مطالعه اکبری (۱۳۹۹) نیز از تغییر ماهیت جاذبه‌ها و دافعه‌ها بعد از استقرار در مقصد و زندگی در شهرهای بزرگ خبر می‌دهد. از سوی دیگر در بعد کلان‌تر بی‌اعتمادی نسبت به بهبود شرایط توسعه‌ای مبدأ برای ساخت زندگی مطلوب نیز، سبب قطع امید آنان برای بهبود کیفیت زندگی در زادگاه شده است. شریفی یزدی و فیروزآبادی (۱۴۰۰) در پژوهش خود، به لذت‌بخش بودن گمنامی از دید مهاجران اشاره کردند. پژوهش فلوری (2016) نیز، هنجارهای اجتماعی عادلانه‌تر برای زنان و بهبود دسترسی آنان به حقوق و منابع بعد از مهاجرت را نشان می‌دهد.

چانت و رادکلیف (1992) تغییرات ساختار اقتصادی - اجتماعی و سیاسی را از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های مهاجرت زنان می‌دانند؛ در نتیجه فقدان بسترهای توسعه در مبدأ و ثبات زندگی در مقصد، دو روی سکه و از دلایل اصلی برای ترغیب زنان به مهاجرت و ماندگاری در مقصدند. فقدان امنیت اقتصادی در زادگاه و کژکارکردی سیاست‌های منطقه‌ای

در ادغام با جبر جغرافیایی، بر معضلات مبدأ دامن زده و آن را به زیستگاهی بحرانی، برای مردم آن مناطق تبدیل کرده است. بیشتر زنان مهاجر، دغدغه‌های اصلی خود برای مهاجرت را نبود امکانات اجتماعی، از جمله درمانی و تحصیلی و ترددی، نداشتن امنیت شغلی و ثبات درآمد، در دسترس نبودن آب سالم و هوای بد زادگاه ذکر کرده‌اند. گاوس (2010) نیز در مطالعه خود، بی‌ثباتی در مبدأ را از ابعاد گوناگون محیطی و اقتصادی می‌داند که در مهاجرت زنان مؤثر است. مطالعه هانتر و دیوید^۱ (2009)، مهاجرت راهبردی را در مواجهه با تغییرات مبدأ می‌داند. بررسی‌های کریمیان حسین‌آباد و همکاران (۱۴۰۱)، پژوهش صادقی و همکاران (۱۴۰۰)، فنی و همکاران (۱۳۹۷)، طالشی و شبنما (۱۳۹۶)، رستمعلی‌زاده (۱۳۹۶) و شریفی و زارع شاه‌آبادی (۱۳۹۷)، عوامل اجتماعی نظیر دسترسی به امکانات را از عوامل اثرگذار بر مهاجرت می‌داند. همچنین پژوهش‌های شهبازین و همکاران (۱۴۰۰)، نوبهار و همکاران (۱۴۰۰)، مهدی‌پور و همکاران (۱۳۹۹)، حسینی و همکاران (۱۳۹۷)، اسفندیاری و نبی‌ثانی (۱۳۹۷)، طالشی و شبنما (۱۳۹۶)، رستمعلی‌زاده (۱۳۹۶) و دشینگکار و کریم (2005)، عوامل اقتصادی نظیر بیکاری و فقر را از دافعه‌های اصلی مبدأ به حساب می‌آورد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فرد در سنت فکری مدرن، وضعیت جهان موجود را با استیلائی عقلانی، طبق جهان‌بینی خویشتن تفسیر می‌کند یا در صدد تغییر یا مقابله با آن برمی‌آید (توانا و هاشمی اصل، ۱۳۹۴: ۴۶)، چنان‌که نظریه‌پردازان اقتصادی مهاجرت، نظیر راونشتاین (۱۸۸۵-۱۸۸۹)، لی (1966) و تودارو (1976) مهاجران را افرادی دارای کنش عقلانی می‌دانند که به دنبال دستیابی به زندگی اقتصادی بهترند؛ بنابراین زنان مهاجر در پس مسائل ذکر شده، به نوعی واگرایی خودخواسته نسبت به زادگاه رسیده‌اند و در نتیجه برای رهایی از رنج‌های مبدأ و بهبود زندگی خود، شروع به بازتعریف شبکه ارتباطی هدفمند، سودبخش و مطمئن

¹ Hunter & David

می‌کنند. زنان مهاجر در این مسیر با کاستن از روابط غیرمفید و تنش‌زا در مبدأ، به گزینشگری در روابط خود و شکل‌دهی شبکه جدید معاشرتی در چارچوب مورد انتظار خویش، که حاوی آشنایان و افراد ناشناس انتخابی و مطمئن خود در مقصد است، دست می‌زنند و زندگی را شخصی‌سازی می‌کنند. پیوندهای شبکه‌ای در قالب سرمایه اجتماعی، دسترسی مهاجر به امکانات مقصد را تسهیل می‌کنند (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۷). نتایج با بررسی نوی (2021) در تسهیل فرصت‌های شغلی و تبادل اطلاعات اجتماعی توسط شبکه‌های ارتباطی برای مهاجران بین مبدأ و مقصد مطابقت دارد.

در مسیر ذکرشده، زنان با ورود به مقصد و در برخورد با فرهنگ خاص شهر یزد، که افراد ناآشنا را در چارچوب نزدیک ارتباطی خود قرار نمی‌دهد، ناخواسته روابط خود را بیش از پیش محدود می‌کنند. از سوی دیگر، تنگناهای اقتصادی از قبیل ناتوانی در تهیه هزینه سفر برای دیدار از زادگاه یا پذیرا بودن خویشاوندان در مقصد و حقارت‌های ناشی از ظاهر بد زندگی نسبت به مردم بومی، سبب ترجیح زنان مهاجر برای کاستن از روابط غیرضروری می‌شود؛ مانند آنچه بری^۱ (2005) از آن با عنوان وان استراتژی فرهنگ‌پذیری در قالب یکپارچگی، همانندگردی، جدایی و حاشیه‌ای شدن نام می‌برد. همه این موارد در کنار سبک زندگی انزواطلب شهری که از نظر زیمل (۱۳۷۲) از شرط اولیه برای زندگی اجتماعی شهری است و آرامش تعداد زیادی افراد ناآشنا را در فضای پرازدحام شهری، همراه با صلح نسبی اجتماعی تضمین می‌کند، سبب خلاصه‌شدن زندگی زنان در دایره کوچکی از روابط سودبخش و مطمئن است و رفتاری است که به ذره‌ای شدن (اتمیزه‌شدن) یا خصوصی‌سازی زندگی در چارچوب زندگی شخصی تفسیر می‌شود. این فرآیند در نگاه آرنت (۱۳۶۳)، از پیامدهای جامعه مدرن است و افراد را به انزوا می‌کشاند. این روابط در شرایط مختلف از نگاه زنان مهاجر، برحسب نیاز و سودمندی، سیال‌وار تجدید،

بسط یا محدود می‌شوند. پیامد فرآیند طی‌شده، خوگرفتن بیش از پیش زنان مهاجر به سبک جدید زندگی انتخابی خود در مقصد و کم‌رنگ‌شدن تعلقات آنان نسبت به زادگاه است. یافته‌ها با نتایج تحقیق تینتسور و منصور (2017) در زمینه منفعل‌نبودن زنان در فرآیند مهاجرت و مطالعه ژانگ (2014) در زمینه تعلق‌زدایی از زادگاه بعد از مهاجرت و مرزبندی روابط و سیال‌بودن آن در شرایط مختلف مطابقت دارد. همچنین نتایج پژوهش با یافته‌های افشانی و شیرینی محمدآباد (۱۴۰۱) در زمینه چالش ادغام مهاجران در استان یزد، پژوهش افیونی و قاسمی (۱۳۹۸) در زمینه اتخاذ زیست مهاجرتی از سوی زنان در مقصد و با مطالعه رفعت‌جاه و رضایی (۱۳۹۷) در تحمیل شرایط زندگی در محیط‌های جدید بر افراد همسو است. همچنین نتایج با بررسی‌های شریفی و فیروزآبادی (۱۴۰۰) نیز در قلمدادکردن مهاجرت از سوی مهاجران به‌عنوان شروعی دوباره با انتخاب‌های شخصی، به دور از جبر زادگاه و همچنین استفاده از فاصله‌گیری اجتماعی از سوی مهاجران، به‌عنوان یک استراتژی برای تکرار نکردن تجربه‌های گذشته و با نتایج پژوهش یوسفی و همکاران (۱۳۹۱) در بهره‌گیری از مهاجران شبکه‌های اجتماعی غیررسمی در تبادل اطلاعات، تصمیم‌گیری برای حمایت اجتماعی و اقتصادی همسو است.

مسیر مهاجرت برای زنان، پیامدهای ناخوشایند بسیاری نظیر رنج‌های فراوان عاطفی و اقتصادی، همچون تنهایی، غربت و ناسازگاری فرهنگی_محیطی در بعضی زنان و خانواده‌هایشان، چرخه فقر و شرایط بد اقتصادی را به‌همراه داشته است. این پیامدها به‌خصوص برای زنان مشارکت‌کننده که به‌صورت مستقل مهاجرت کرده‌اند، به‌واسطه نداشتن حامی، همچون همسر فراتر بوده و سبب فرسایش جسم و روحشان در نتیجه شرایط طاقت‌فرسای شغلی و ساعات طولانی کار شده است. در این روند، بعضی از مهاجران با انعطاف‌پذیری و سازگاری با محیط جدید در کنار فزونی آرامش محیطی و ثبات زندگی در مقصد، ازلحاظ معیشت بهتر بر مشکلات فائق آمده و بهبود کیفیت زندگی خود را در

¹ Barry

زمینه‌های مختلف از کاهش تنش در روابط بین همسری و افزایش آرامش روحی تا پیشرفت شغلی و تحصیلی خانوادگی را تجربه کرده‌اند. همچنین فرهنگ غنی مقصد در ابعاد مختلف مذهبی و پایبندی بیشتر به سنت‌ها، دسترسی به امکانات و اصرار فرزندان برای ماندگاری، در نتیجه آسان‌تر شدن زندگی و فزونی آرامش زندگی در غیاب آشنایان، از پیامدهای مثبت مهاجرت نزد زنان مهاجر به شمار می‌آید. تغییرات محسوس شخصیتی و جایگاه اجتماعی زنان مهاجر و همسرانشان، در زمینه بلوغ فردی - اجتماعی و کسب سرمایه انسانی نیز، یاری‌دهنده آنان برای ساخت زندگی مطلوب بوده است. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های خواجه‌نوری و شریفی (۱۴۰۱) و اسماعیلی و محمودی (۱۳۹۶)، فلوری (۲۰۱۶) و پایپر و یاماناکا^۱ (۲۰۰۵) در زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی و مهارتی بالاتر برای زنان مهاجر، افزایش سرمایه انسانی و بهبود کیفیت زندگی آنان و خانواده‌هایشان بعد از مهاجرت مطابقت دارد. در مجموع به نظر می‌رسد، بیشتر زنان مهاجر، حتی کسانی که با رنج‌های متعددی در شهر یزد درگیرند، با قناعت به برتری، دسترسی به امکانات مختلف، فزونی آرامش و امنیت و در نتیجه دوری از زادگاه و محیط آشنای آن، ثبات زندگی در مقصد، امید به بهبود آینده فرزندانشان در شهر بزرگ‌تر و دلگرم به شبکه سرمایه اجتماعی مقصد، نظیر دوستان و خیران یزدی، ماندگاری را به بازگشت ترجیح داده‌اند و از هر تعاملی گریزانند که سبب خلل در زندگی نوساخته آنان می‌شود. در این مسیر آنان به واسطه تجربه‌های تلخ زندگی در زادگاه و در ادغام با سبک زندگی نوین در شهر جدید، به محدود کردن روابط و شخصی‌سازی سودمند زندگی روی می‌آورند یا به عبارتی، زندگی خود را ذره‌ای (اتمیزه) می‌کنند.

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به یافته پژوهش در زمینه عمده‌ترین علل تمایل به مهاجرت در بین گروه‌های مختلف زنان، که مرتبط با عوامل

اقتصادی و فقدان امکانات در زمینه‌های مختلف است، پیشنهاد می‌شود با بهبود توزیع امکانات در مناطق مختلف کشور در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و همچنین بازنگری در برخی از قوانین، از جمله قوانین مربوط به ارث، ازدواج و طلاق، که زنان را با چالش‌های فراوان روبه‌رو می‌کند، از اجبار زنان برای اقدام به مهاجرت و متعاقب آن، معضلات بیش‌اندازه مهاجرت در جوامع مبدأ کاسته شود. پایه‌ریزی افزایش مشارکت مهاجران و مردمان بومی مناطق در جهت بهبود ادغام مهاجران و کاهش سوگیری و در نتیجه ارتقای بهره‌وری مهاجران و ساکنان بومی در زمینه‌های مختلف در مناطق مهاجرپذیر، از جمله برنامه‌های مؤثر در این حوزه است.

عوامل آشکار و پنهان بسیاری در تشدید مهاجرت زنان نقش دارند؛ از این رو به نظر می‌رسد استفاده از پژوهش‌های بین رشته‌ای در این حوزه، در بر دارنده نتایج مفید و مکمل تحقیقات در حوزه پژوهش‌های اجتماعی است. همچنین در حوزه مطالعات پژوهشی، پیشنهاد می‌شود در زمینه فرآیند مهاجرتی مردان - برای دست‌یافتن به یک نتیجه بهتر در شکل‌گیری فرآیند مهاجرتی زنان - نیز تحقیقات کیفی انجام گیرد، چنان‌که هنوز بسیاری از زنان در پیروی از همسر، پدر و برادر خود اقدام به مهاجرت می‌کنند.

تحقیقات کیفی بر پایه کشف فرآیند مهاجرتی زنان و مردان به تفکیک استان‌های کشور، به سبب فرهنگ ارتباطی گوناگون استان‌ها، نتایج متفاوتی در بر دارد و از رهاورد مقایسه این مطالعات، برنامه‌ریزی درست در جهت حل معضلات مهاجرتی چه برای مهاجران و چه برای شهرهای مهاجرپذیر و مهاجر فرست فراهم می‌شود. همچنین کشف فرآیند مهاجرت زنان به تفکیک گروه‌های سنی، برای حل چالش‌های مهاجرت مفید است.

منابع فارسی

آرنت، ه. (۱۳۶۳). *توتالیتاریسم: حکومت ارباب، کشتار و خفقان*، ترجمه محسن ثالثی، تهران: نشر جاویدان.

¹ Piper & Yamanaka

- خوش‌فر، غ؛ خسروی، س. و حسین‌نژاد، م. (۱۳۹۰). مهاجرت، حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی. همایش هجوم خاموش، جهاد دانشگاهی واحد لرستان، ۱-۳۸.
- رستمعلی زاده، و. (۱۳۹۶). جاذبه و دافعه روستایی و تأثیر آن بر ماندگاری یا تمایل به مهاجرت در میان جوانان روستایی شهرستان‌های هشتگرد و اسکو. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۹(۱)، ۱۴۵-۱۷۰.
- رضایی، م. و کمانداری، م. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کرمان، نمونه مورد مطالعه: محلات سیدی و امام حسن. برنامه‌ریزی فضایی، ۴(۴)، ۱۷۹-۱۹۶.
- رفعت‌جاه، م. و رضایی، م. (۱۳۹۷). تحلیلی بر هویت فرهنگی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه، مطالعه‌ای تطبیقی در خوابگاه‌های دولتی و خصوصی شهر تهران. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۶(۴)، ۱۰۹-۱۴۸.
- زارع مهرجردی، ر؛ فولادیان، م؛ حسنی درمیان، غ. و قاسمی اردهایی، ع. (۱۴۰۱). مطالعه کیفی فرایندهای مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران (روایت پژوهی زنان مهاجر استان یزد). نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۷(۳۳)، ۲۶۹-۳۰۶.
- زاهدی، ع. و سلیمانی، ن. (۱۴۰۲). خوانشی تحلیلی-توصیفی بر دلایل مهاجرت و تأثیر آن بر افزایش جرم؛ مطالعه موردی مهاجرت به آمریکا. پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی/اسلامی، ۲(۳)، ۱-۱۸.
- زیمیل، گ. (۱۳۷۲). کلان‌شهر و حیات ذهنی. نامه علوم اجتماعی، ۲(۳)، ۶۶-۵۳.
- ساداتی، ج. و علوی، م. (۱۳۹۷). علل و پیامدهای اجتماعی مهاجرت زنان. مطالعات پژوهشی زنان، ۵(۸)، ۶۱-۷۶.
- سیفی، آ. (۱۳۹۶). علل و پیامدهای زنانه شدن مهاجرت بین‌المللی در پرتوی امنیت انسانی با تأکید بر حقوق بین‌الملل: چالش‌ها و راهکارها. پژوهش‌نامه زنان، ۱۸(۱)، ۸۵-۱۲۰.
- شریفی یزدی، س. و فیروزآبادی، س. ا. (۱۴۰۰). فهم پدیده اسفندیاری، س. و نبی‌نیا، ص. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر فقر بر مهاجرت از روستا به شهر در ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۲۶(۱۰۱)، ۲۷-۱.
- اسفندیاری، س.؛ دهقانی دشتابی، م؛ نبی‌نیا، ص؛ و میرزایی خلیل‌آبادی، ح. (۱۳۹۸). بررسی رابطه علیت بین فقر و مهاجرت از روستا به شهر در ایران. روستا و توسعه، ۲۲(۴)، ۷۱-۸۹.
- اسماعیلی، ن. و محمودیان، ح. (۱۳۹۶). زنان و مهاجرت به شهر همدان، تعیین‌کننده‌ها و پیامدهای آن. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۶(۱۰)، ۶۱-۸۳.
- اسماعیلی، ن. و محمودیان، ح. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های تحصیلی و شغلی زنان جوان ایرانی در دوره ۹۰-۳۸۵. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۵(۳۴)، ۱-۲۱.
- افشانی، ع. و شیرینی محمدآباد، ح. (۱۴۰۱). واکاوی پیامدهای مهاجرت داخلی: مطالعه‌ای کیفی در استان یزد با تکنیک SWOT. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۷(۳۴)، ۲۶۹-۳۰۸.
- افیونی، ش. و قاسمی، ع. (۱۳۹۸). تحلیل تجربه زیسته زنان از مهاجرت (مطالعه مهاجرت برون‌مرزی زنان). علوم اجتماعی، ۲۶(۸۷)، ۱۵۵-۱۷۸.
- اکبری، ی. (۱۳۹۹). فهم ذهنی مهاجران از جاذبه و دافعه مقصد و مبدأ مهاجرت: مطالعه موردی مهاجران محله خلیج فارس شمالی تهران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۵(۳۰)، ۳۲۱-۳۴۲.
- توانا، م. ع. و هاشمی اصل، ع. (۱۳۹۴). مدرنیته و پندار هویت. پژوهش‌های سیاسی، ۱۵(۵)، ۱۶-۲۲.
- حسینی، ق؛ صادقی، ر؛ قاسمی اردهایی، ع. و رستمعلی‌زاده، و. (۱۳۹۷). تحولات روند و الگوهای مهاجرت داخلی در استان‌های ایران. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱(۳۱)، ۱-۱۸.
- خواجانه‌نوری، ب. و شریفی، ع. (۱۴۰۱). مروری بر زمینه‌ها، انواع و پیامدهای مهاجرت بین‌المللی زنان. زن و جامعه، ۱۳(۴۹)، ۵۳-۷۴.

- احساس شکست و پیامدهای آن در میان مهاجران در شهر تهران. *مطالعات جمعیتی*، ۱۷(۱)، ۱۹۳-۲۱۷.
- شریفی، ع. و زارع شاه‌آبادی، ا. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش روستاییان به مهاجرت شهری: مطالعه موردی بخش روستایی گاریزات استان یزد. *روستا و توسعه*، ۲۱(۲)، ۷۴-۵۵.
- شهبازین، س.؛ صادقی، ر. و رضایی، م. (۱۴۰۰). تحقیقات مهاجرت داخلی در ایران: مرور حیطه‌ای. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۶(۳۱)، ۳۴۳-۳۷۳.
- صادقی، ر.؛ اسماعیلی، ن. و عباسی شوازی، م. (۱۴۰۰). تحصیلات، توسعه و مهاجرت‌های داخلی در ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۶(۳۱)، ۱۹۳-۲۱۵.
- صادقی، ر.؛ ولدوند، ل. (۱۳۹۴). جنسیت و مهاجرت: تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت‌های داخلی در ایران. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۴(۷)، ۵۵-۷۸.
- طالشی، م. و شبنا، م. (۱۳۹۶). نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در مهاجرت‌های روستایی-شهری، ناحیه نورعلی بیگ ساوه. *انجمن جغرافیای ایران*، ۱۵(۵۴)، ۶۰-۴۵.
- عسکری ندوشن، ع.؛ شمس قهفرخی، ف.؛ زندی، ل. و رضایی، م. (۱۳۹۸). گذری بر جریان‌های اخیر مهاجرت در استان یزد. *فرهنگ یزد*، ۱(۱)، ۱۰۴-۸۳.
- عسکری ندوشن، ع.؛ شهبازین، س. و مالکی، س. (۱۳۹۷). تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور، تحلیلی بر روندها و جریان‌های مهاجرتی در استان یزد، پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱-۳۸۱.
- فنی، ز.؛ خلیل، ا.؛ سجادی، ژ. و فال سلیمان، م. (۱۳۹۷). تحلیل مهاجرت‌های روستا-شهری و پیامدهای آن بر ناپایداری شهری، مطالعه موردی: شهر بیرجند. *پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۹(۱۷)، ۱۳-۲۴.
- قاسمی اردهایی، ع.؛ نوبخت، ر. و قدرتی، ش. (۱۳۹۴). جریان‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت تبعی از استان آذربایجان شرقی به استان تهران. *مشارکت و توسعه اجتماعی*، ۱(۱)، ۶۲-۸۲.
- کریمیان حسین‌آباد، ر.؛ کرمی، آ. و شمس‌الدینی، ع. (۱۴۰۱). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مهاجرت روستا-شهر بخش مرکزی شهرستان بویراحمد. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۷(۱)، ۲۱۹-۲۳۴.
- لطیفی، غ.؛ بساطیان، م. (۱۳۹۱). پیامدهای امنیتی ناشی از تمرکزگرایی در کلان‌شهر تهران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۳(۱)، ۱۲۳-۱۳۷.
- محمودیان، ح. و محمودیانی، س. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت مهاجرت داخلی و شهرنشینی در ایران با تأکید بر دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰. *نهادهای پژوهشی آموزشی جمهوری اسلامی ایران*.
- محمودیان، س. و محمودیان، ح. (۱۳۹۷). زمینه‌های طرح مهاجرت خانوادگی از سوی زنان مهاجر ساکن استان تهران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، ۱۳(۲۵)، ۹-۳۲.
- مشفق، م. و خزایی، م. (۱۳۹۴). تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۷(۶۷)، ۸۵-۱۲۴.
- مشفق، م. (۱۳۹۰). تحلیل اثرات شاخص سرمایه انسانی و جمعیت‌شناختی بر مهاجرت داخلی ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، ۱۱(۱)، ۱۵۸-۱۵۳.
- مهدی پور، آ.؛ مهدی‌پور، ا. و قاسمی اردهایی، ع. (۱۳۹۹). بررسی قصد مهاجرت از روستا و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: روستاهای بخش کلات شهرستان آبدانان، استان ایلام). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۱(۲)، ۴۳۷-۴۵۸.
- نوبهار، ا.؛ قربانی، ف. و حدادمقدم، م. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین بیکاری و خالص مهاجرت: رهیافت اقتصادسنجی فضایی. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۹(۹۸)، ۱۳۵-۱۷۶.
- یوسفی، ع.؛ موسوی، س. م. و حسینی، آ. (۱۳۹۱). شبکه اجتماعی مهاجران افغان در مشهد؛ مورد پژوهش:

Grounded Theory, 3, 614-617.

- Deshingkar, P., & Grimm, S. (2005). *Internal migration and development: A global perspective, international organization for migration: Switzerland*, 1-79
- Esfandiari, S., & Nabieian, S. (2018). Investigating the impact of poverty on the migration of rural to urban area in Iran. *Agricultural Economics and Development*, 26(1), 1-27. doi: 10.30490/aead.2018.65197 [In Persian]
- Esfandiari, S., Dehghani Dashtabi, M., Nabieyan, S., & Mirzaei Khalilabadi, H. (2020). Study of causal relationship between poverty and migration from rural to urban areas in Iran. *Village and Development*, 22(4), 71-89. doi: 10.30490/rvt.2020.253500.0 [In Persian]
- Esmaeli, N., & Mahmoudian, H. (2017). Determinants in the women's migration to Hamedan. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 6(10), 61-83. doi: 10.22084/csr.2017.10542.1125 [In Persian]
- Esmaeli, N., & Mahmoodian, H. (2016). A study on factors influencing educational and occupational migration of Iranian young women during 2006-2011. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 15(34), 113-128. [In Persian]
- Fani, Z., Khalil Allahi, H. A., Sajjadi, J., & Fal Sulaiman, M. (2018). Analysis of rural-urban migrations and its consequences on urban instability, case study: *ShahrBirjand. Urban Ecology Research*, 9(1), 13-24. [In Persian]
- Fleury, A. (2016). Understanding women and migration: A literature review. *Washington, DC*, 55.
- Ghasemi-Ardahaee, A., Nobakht, R., & Goktri, Sh. (2015). Network migration and its determinants: the study of emigration flows from east- azerbaijan province to Tehran province. *Journal of Population Association of Iran*, 8(15), 97-121. [In Persian]
- Gouws, A. (2010). The feminisation of migration. *Africa Insight*, 40(1), 169-180.
- Hosseini, Gh., Sadeghi, R., Ghasemi Ardahai, A., & Rostamalizadeh, V. (2018). Trends and patterns of internal migration in Iran. *Regional Planning*, 8(31), 1-18. [In Persian]
- Hunter, L. M., & David, E. (2009). *Climate change and migration: Considering the gender dimensions*. Boulder: University of Colorado, Institute of Behavioral Science.
- Jolly, S., Reeves, H. Y., & Piper, N. (2005). *Gender and migration: overview report*. Institute of Development Studies.
- Karimian Hossein Abad, R., Karmi, A., & Shams Aldini, A. (2022). Economic and social factors affecting rural-urban migration in the central part of Boyar Ahmad city. *Human Settlement Planning Studies*, 17 (1), 219-234. [In Persian]

مهاجران ساکن شهرک گلشهر. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۳(۴)، ۲۳۹-۲۱۳.

References

- Afshani, S., & Shiri Mohammadabad, H. (2023). Exploring consequences of internal migration in the province of Yazd, Iran: A qualitative SWOT approach. *Journal of Population Association of Iran*, 17(34), 269-308. [In Persian]
- Afyouni, S., & Ghasemi, A. (2019). Analysis of women's lived experience of migration (The study of women's cross-border migration). *Social Sciences*, 26(87), 155-178. doi: 10.22054/qjss.2020.46305.2146 [In Persian]
- Akbari, Y. (2020). Immigrants' mental understanding of the pull and push of the destination and origin of migration: A case study of immigrants in the north persian gulf district of Tehran. *Journal of Population Association of Iran*, 15(30), 321-342. doi: 10.22034/jpai.2021.134727.1157 [In Persian]
- Arendt, H. (1984). *Totalitarianism*, translated by Mohsen solasi, Tehran: Javidan Publishing. [In Persian]
- Askari Nadushan, A., Shams Ghafarakhi, F., Zandi, L., & Rezaei, M. R. (2019). An overview of the recent immigration trends in Yazd province. *Farhang Yazd*, 1 (1), 83-104. doi:10.22034/fyazd.2019.94217 [In Persian]
- Askari Nodoushan, A; Shahbazin, S; Maliki, S (2018). Analysis of the country's social problems and harms, an analysis of migration trends and flows in Yazd province, *Research Institute of Culture, Art and Communication*, 1-381. [In Persian]
- Barry, D. T. (2005). Measuring acculturation among male Arab immigrants in the United States: An exploratory study. *Journal of Immigrant Health*, 7(3), 179-184.
- Berry, J. W. (2008). Acculturation and adaptation of immigrant youth. *Canadian Diversity*, 6(2), 50-53.
- Birchall, J. (2016). Gender, age and migration: An extended briefing. IDS. <https://opendocs.ids.ac.uk/opendocs/bitstream/handle/20.500.12413/10410/Gender%20Age%20and%20Migration%20Extended%20Briefing.pdf?sequence=1>
- Bryant, A., & Charmaz, K. (2007) *Grounded theory in historical perspective: An epistemological account*. In: Bryant, A. and Charmaz, K., Eds., the SAGE Handbook of Grounded Theory, Sage, Los Angeles, 31-57.
- Chant, S., & Radcliffe, S. A. (1992). Migration and development: The importance of gender. *Gender and Migration in Developing Countries*, 1-29.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). Qualitative research. *Techniques and Procedures for Developing*

- Rican women. *International Migration Review*, 30(2), 460-484.
- Paiewonsky, D. (2009). The feminization of international labour migration: Gender, united nations international research and training institute for the advancement of women (INSTRAW), *Working Paper, 1*, 1-7.
- Parrado, E. A., & Flippen, C. A. (2005). Migration and gender among Mexican women. *American Sociological Review*, 70(4), 606-632.
- Parrillo, V. N. (Ed.). (2008). *Encyclopedia of social problem*. SAGE Publications, Inc.
- Piper, N., & Yamanaka, K. (2005). *Feminized migration in East and Southeast Asia: Policies*. United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD).
- Rafatjah, M., & Rezaei, M. (2018). An analysis of the cultural identity of the female dormitory students a comparative study of the public and private dorms in Tehran. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 16(4), 109-148. doi: 10.22051/jwsp.2019.21923.1814 [In Persian]
- Ravenstein, E. G. (1885). The laws of migration. *Royal Statistical Society*, 48(2), 167-235.
- Rezaei, M. R., & Kamandari, M. (2013). Investigation and analysis of the causes of the formation of marginalization in the city of Kerman, the sample studied: Sidi and Imam Hassan neighborhoods. *Spatial Planning*, 4(4), 179-196 [In Persian]
- Rostamalizadeh, V. (2017). Pull and push factors of rurality and its impact on the tendency of rural youth to stay or migrate. *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 9(1), 145-170. doi: 10.22059/jrd.2018.65564 [In Persian]
- Sadati, J., & Alavi, M. (2018). Causes and social consequences of women's migration. *Women's Research Studies*, 5(8), 61-76. [In Persian]
- Sadeghi, R., Ismaili, N., & Abbasi Shawazi, M. J. (2021). Education, development and internal migrations in Iran. *Journal of the Iranian Demographic Association*, 16(31), 193-215. doi: 10.22034/jpai.2021.128570.1152 [In Persian]
- Sadeghi, S. & Valadvand, L. (2015). Gender and migration: a sociological analysis of gender differentials in internal migration in Iran. *Journal of Contemporary Sociological Research*, 4(7), 55-78. [In Persian]
- Seifi, A. (2017). The causes and the consequences of the feminization of international migration in the light of human security with an emphasis on international law: Challenges and solutions. *Women Studies*, 8(19), 85-120. [In Persian]
- Simmel, G., & Abazari, Y. (1993). Metropolis and mental life. *Journal of Social Science Letter*, 2(3), 53-66. [In Persian]
- Shahbazin, S., Sadeghi, R., & Rezaei, M. (2021). Khaje Nouri, B., & Sharifi, A. (2022). An overview of the contexts, types and consequences of women's international migration. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 13(49), 53-74. doi: 10.30495/jzv.2022.22856.3019 [In Persian]
- Khoshfar, Gh., Khosravi, S., & Hosseinnejad, M. (2011). Migration, marginalization and social harms. *Silent Invasion Conference*, Lorestan Branch Academic Jihad, 1-38. [In Persian]
- Lattof, S. R., Coast, E., Leone, T., & Nyarko, P. (2018). Contemporary female migration in Ghana: Analyses of the 2000 and 2010 Censuses. *Demographic Research*, 39(44), 1181-1226.
- Latifi, Gh., & Basatian, S.M. (2011). Security consequences of centralization in Tehran metropolis. *Cultural Sociology*, 3(1), 123-137 [In Persian]
- Lee, E. S. (1966). A theory of migration. *Demography*, 3(1), 47-57.
- Massey, D. S., Arango, J., Hugo, G., Kouaouci, A., Pellegrino, A., & Taylor, J. E. (1993). Theories of international migration: A review and appraisal. *Population and Development Review*, 19(3), 431-466.
- Mahdipour, A., Mahdipour, A., & Ghasemi Ardahae, A. (2019). Investigating the intention of migration from the village and the factors affecting it (Case Study: Villages of Kalat Section of Abdanan City, Ilam Province). *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 11(2), 437-458. doi: 10.22059/jrd.2019.76763 [In Persian]
- Mahmoudian, H., & Mahmoudiani, S. (2018). *Study on the situation of internal migration and urbanization in Iran with an emphasis on the period 2011-2016*. United Nations Population Fund, School of Social Sciences, University of Tehran. [In Persian]
- Mahmoudiani, S., & Mahmoudian, H. (2018). Contexts of Propose of Family migration by Migrant women living in Tehran province. *Journal of Population Association of Iran*, 13(25), 9-32. [In Persian]
- Moshfeqh, M. (2011). Analysis of the effects of human capital and demographic indicators on Iran's internal migrations. *Journal of Population Association of Iran*, 11, 153-158. [In Persian]
- Moshfeqh, M., & Khazai, M. (2015). A study on characteristics and determinants of independent woman migrants in Iran. *Women's Strategic Studies*, 17(67), 85-124. [In Persian]
- Nobahar, E., Ghorbani, F., & Hadadmoghadam, M. (2021). Investigating the relationship between unemployment and net Immigration: A spatial econometric approach. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 29 (98):135-176 [In Persian]
- Noi, H. (2021). Domestic migration among ethnic minority women. *A Situation Analysis*, 1-110.
- Ortiz, V. (1996). Migration and marriage among Puerto

- United Nation. (2013). World Migration in Figures, a joint contribution by UN- DESA and the OECD to the United Nations High Level Dialogue on Migration and Development.
- United Nations Population Division (2022). *World Migrant Stock: The 2022 Revision Population Database*, 1-4
- Yousefi, A., Mousavi S. M., & Hosseini A. (2012). The social network of Afghan immigrants in Mashhad (case of research: immigrants living in Golshahr town). *Social issues of Iran*, 4(1), 213-239. [In Persian]
- Zahedi, A., & Soleimani, N. (2023). Analytical-descriptive reading on the reasons for immigration and its effect on the increase in crime: A case study of immigration to America. *New Researches in Islamic Humanities Studies*, 2(3), 1-18. [In Persian]
- Zare Mehrjardi, R., Fuladiyan, M., Hosni Madhim, Gh., & Ghasemi Ardahai, A. (2022). Qualitative study of women's independent migration processes to Tehran city (narrative research of immigrant women in Yazd province). *Journal of the Iranian Demographic Association*, 17 (33), 269-306. doi: 10.22034/jpai.2023.562852.1251 [In Persian]
- Zhang, N. (2014). Performing identities: Women in rural-urban migration in contemporary China. *Geoforum*, 54, 17-27. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2014.03.006>
- Zhao, X., Akbaritabar, A., Kashyap, R., & Zagheni, E. (2023). A gender perspective on the global migration of scholars. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 120(10), e2214664120.
- Zlotnik, H. (2003). The global dimensions of female migration. *Migration Information Source*, 1, 19-20.
- Internal migration research in iran: a scoping review. *Journal of Population Association of Iran*, 16(31), 343-373. doi: 10.22034/jpai.2022.539684.1200 [In Persian]
- Sharifi Yazdi, S., & Firouz Abadi, S. A. (2022). Understanding the phenomenon of feeling of failure and its consequences among immigrants in Tehran. *Population Policy Research*, 7(1), 193-217. doi: 10.22034/nipr.2022.293482.1116 [In Persian]
- Sharifi, A., & Zare Shahabadi, A. (2018). Investigation of factors affecting the rural people's tendency to urban migration: A Case Study of Garizat Rural District in Yazd Province of Iran. *Village and Development*, 21(2), 55-74. doi: 10.30490/rvt.2018.77119 [In Persian]
- Sam, D. L., & Berry, J. W. (2006). *The cambridge handbook of acculturation psychology*. Cambridge University Press.
- Sharpe, P. (2001). *Gender and the experience of migration*, In: *Women, gender and labour migration: Historical and global perspective*. London: Rutledge Press.
- Taleshi, M., & Shabnama, M. (2017). The role of social and economic factors in rural-urban migrations, Noor Ali Beg Saveh District. *Geography*, 15(54), 43-60. [In Persian]
- Tavana, M.A., & Hashemi Asl, A. (2015). Modernity and identity. *Political Research*, 5(4), 46-53. [In Persian]
- Tittensor, D., & Mansouri, F. (2017). *The feminisation of migration? A critical overview*. In book: *The Politics of Women and Migration in the Global South*, 11-25.
- Todaro, M. P. (1976). *Internal migration in developing countries; A review of theory, evidence, methodology and research priorities*. ILO.